



سرما زنده گی صدهای جا شده در بدخشان را تهدید می کند



جنگ و ناامنی های اخیر در ولایت بدخشان، صدها خانواده را به شهر فیض آباد و ولسوالی های اشکاشم، بهارک و کشم آواره کرده است. در حال حاضر بیش از شش هزار خانواده از خانه های شان در این ولایت بی جا شده اند و با مشکلات فراوان دست و پنجه نرم می کنند. این بی جا شده گان می گویند که در خانه های کرایه ای با وضعیت مشقت باری زنده گی می کنند و حتا اتاق های شان درب و پنجره ندارد. شورای ولایتی بدخشان و باشنده گان مرکزی شهر فیض آباد می گویند که این خانواده ها از مدتی به این سو در وضعیت بد اقتصادی به سر می برند و تاکنون به آنان از سوی حکومت محلی و نهادهای کمک کننده رسیده گی نشده است. برخی دیگر از نهادها نیز تأیید می کنند که این بی جا شده گان در زمستان سال روان کمکی دریافت نکرده اند. گفتنی است که بدخشان از ولایت سردسیر شمرده می شود و باشنده گان آن همواره زمستان سردی را پشت سر می گذارند.

۷



افزایش فشار روانی؛

ترورهای اخیر، حمله بر نسل کنونی و ارزش های جمهوریت است

۳



عزیزی بانک از سوی MFR (مایکرو فایننس ریتینگ) در بخش مالی رتبه بالایی را کسب کرده است



عزیزی بانک اخیراً در درجه بندی بی که توسط MFR (مایکرو فایننس ریتینگ) در بخش مالی انجام شده، رتبه بالایی را کسب کرده است. با وجود مشکلات و چالش ها در جریان بیماری کرونا، عزیزی بانک درجه (BB+) بدست آورده که علاوه بر مدیریت خوب خطرات و رهبری مؤثر، موقعیت قوی مالی بانک را نشان میدهد.

MFR یک اداره رتبه بندی بین المللی خصوصی و مستقل است که در زمینه تمویل هم مشمول تخصص دارد. این اداره بیش از ۲۰۰۰ مأموریت رتبه بندی را در بیش از ۱۰۰ کشور جهان انجام داده است که از جمله بی فعال ترین ادارات درجه بندی در جهان میباشد.

دفتر مرکزی MFR در شهر میلان کشور ایتالیا میباشد و دارای دفاتر منطقه ای در ۴ قاره جهان است که در بخش تهیه تصدیق نامه های محافظتی هوشمند و رده بندی های مالی، اعتباری و اجتماعی کار میکند.

هینت رهبری عزیزی بانک بخاطر اعتماد مشتریان و گزینش عزیزی بانک منحیث همکار بانکی خویش اظهار امتنان می نماید

راه پرپیچ و خم کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی

در بخش اول نشست، بحث های عمومی و رسانه ای صورت گرفت و بخش دوم آن که بدون حضور رسانه ها ادامه یافت، روی چگونه گی دستور کار جلسات این کمیته و آجنده ای دور دوم مذاکرات متمرکز بود که قرار است تا هفت روز دیگر برگزار شود.

۴



تشکیل پولیس کابل دو برابر می شود



۸ صبح، کابل: قرار است تشکیل نیروهای پولیس در کابل دو برابر شود. امرالله صالح، معاون اول ریاست جمهوری روز دوشنبه، هشتم جدی با اعلام این خبر گفته است که طرح دو برابر سازی تشکیل پولیس کابل از سوی «جلسات شش و نیم / میثاق امنیتی» آماده شده است.

معاون نخست ریاست جمهوری در یادداشتی مفصل که جزئیات فیصله ۶۳ جلسات شش و نیم را همه گانی کرده است، نوشت که مقام ریاست جمهوری براساس طرح جلسات شش و نیم، تشکیل پولیس کابل را دو برابر می سازد. به گفته او، ارزیابی مقایسه ای نشان می دهد که حتا در حالت «ثبات و آرامی» کابل کمترین تعداد پولیس را به تناسب جمعیت آن در سطح جهان و به خصوص کشورهای جهان سومی دارد. صالح می گوید که افزایش تشکیل پولیس کابل با «حوصله مندی و دقت» انجام خواهد شد و از ورود افرادی که شرایط و معیارهای لازم را نداشته باشند،

امنیت نهادها به تصدی محافظت عامه سبب شد که ۵۰۰ پولیس دوباره به وظایف اصلی شان برگردند. تشکیل کنونی پولیس کابل حدود ۱۰ هزار نفر گفته شده است. کابل از شهرهای پرجمعیت کشور به شمار می رود و از نظر ثبت جرایم جنایی در صدر قرار دارد. افزون بر این، در روزهای اخیر انفجار ماین های مقناطیسی و حملات هدفمند نیز در این شهر افزایش یافته است.

معاون اول ریاست جمهوری گفته است که برای رفع این مشکل، روش تشریح جرم و تحریک پرونده را به زبان ساده در آورده و در قالب کتابچه های جیبی به پولیس کابل توزیع کرده است. صالح هم چنان گفته است که تا رسیدن به «مرحله آرمانی» پاسگاه های کوهی در کابل را ارتش در اختیار می گیرد و تمام پاسگاه های مووسسات و بخشی از وزارت خانه ها به تصدی محافظت عامه سپرده شده است. به گفته او، واگذاری مسوولیت تأمین

به صفوف پولیس جلوگیری می شود. او هم چنان از تعیین معیارها به خاطر جذب نیروی بیش تر در صفوف پولیس کابل خبر داده است. او یکی از این معیارها را داشتن دانش ابتدایی از کشف و تحقیق عنوان کرده است. امرالله صالح توضیح داده است که گاهی دادستانی و دادگاه ها نمی توانند که «مجرم» را آن چنان که لازم است، در دایره عدالت قرار دهند و در کار «کشف و تحقیق» گسسته گی به وجود می آید.



انتقال مریضان با خدمات ویژه به کشور هندوستان

شنبه دو شنبه پنج شنبه

KABUL - DELHI DEP: 10:00 AM Local Time ARR: 01:00 PM Local Time
DELHI - KABUL DEP: 02:30 PM Local Time ARR: 03:30 PM Local Time

Facebook, Twitter, Instagram, YouTube, LinkedIn, WhatsApp, Telegram, Email, Phone: +93 (0) 790 07 1333, Website: flyariana.com, Phone: 1333



#آریانا_از_شماست



رسوایی سه سناتور

مأموران امنیت ملی سه عضو مجلس سنا را هنگام اخذ رشوت در بلخ بازداشت کرده‌اند. نماینده دادستانی کل هم در جریان بازداشت این سناتوران حضور داشته است. بازداشت‌شده‌گان عضو هیأتی بوده‌اند که از سوی مجلس سنا برای بررسی ادارات عوایدی بلخ مأمور شده بودند. مبلغی که به عنوان رشوت برای آن‌ها پیشنهاد شده، ۴۰ هزار دالر بوده است. این موضوع کتبا به مجلس سنا هم اخبار شده است.

درباره مأموران خدمات ملکی بلخ که مبلغ فوق را به عنوان رشوت برای این سه عضو مجلس سنا پیشنهاد کرده‌اند، معلوماتی در دست نیست. تاکنون روشن نیست که چه کسی/کسانی این مبلغ هنگفت را به عنوان رشوت برای این سناتوران پیشنهاد کرده‌اند. هم‌چنان مشخص نیست که هدف آن‌ها از پیشنهاد این رشوت چه بوده است.

طبق ماده بیست‌وپنجم قانون اساسی و ماده پنجم کود جزا «برائت ذمه حالت اصلی است.» این سه عضو مجلس سنا تا زمانی که به حکم قطعی محکمه با صلاحیت، محکوم علیه قرار نگیرند، بی‌گناه شناخته می‌شوند.

طبق آن‌چه ریاست عمومی امنیت ملی و دادستانی کل اعلام کرده‌اند، بازداشت این سه عضو مجلس سنا در چارچوب قانون انجام شده است. مراحل را که این نهادها برای بازداشت این سناتوران اعلام کرده‌اند، مورد تأیید بند دوم ماده ۱۰۲ قانون اساسی است. اما طبق بند سوم این ماده نیاز است تا مجلس سنا موضوع توقیف و تعقیب عدلی این سه سناتور را «تصویب» کند. تنها اخبار جرم به این نهاد کافی نیست.

در کود جزای کشور، فعل رشوت، رشوت‌گیرنده، رشوت‌دهنده و واسطه رشوت و هم‌چنان نیت و شرایط طرف‌ها و میزان مجازات آن‌ها کاملاً تعریف شده است. فصل اول باب چهارم کود جزا از ماده ۳۷۰ تا ۳۸۷ به طور مفصل در این باره پرداخته است. طبق آن‌چه در این فصل و باب آمده است، رشوت‌دهنده و واسطه رشوت هم مجرم هستند. متأسفانه درباره هويت و جایگاه کسانی که مبلغ ۴۰ هزار دالر را به عنوان رشوت برای این سناتوران پیشنهاد کرده‌اند، تاکنون چیزی گفته نشده است. هم‌چنان هويت کسانی که به عنوان واسطه این رشوت عمل کرده‌اند، نیز فاش نشده است. مطابق احکام کود جزا، کسانی که به عنوان رشوت‌دهنده و واسطه رشوت عمل می‌کنند، نیز مجرم هستند و باید به دادگاه معرفی شوند.

موضوع اخذ ۴۰ هزار دالر رشوت از سوی سه عضو مجلس سنا فعلاً در حد اتهام قرار دارد. دادستانی کل مکلف است برای اثبات این اتهام، تحقیقات خود را آغاز کند و تشکیل پرونده بدهد. از این‌رو، این سه عضو مجلس سنا به رغم آن‌که «جرم» آن‌ها «مشهود» گفته شده است، به حکم ماده بیست‌وپنجم قانون اساسی و ماده پنجم کود جزا «بری الذمه» هستند.

با این وصف، نحوه مواجهه رییس جمهور غنی با این قضیه قابل تأمل است. دو تن از این سناتوران، منصوب غنی در مجلس سنا هستند. پس از آن‌که اعلام شد سه عضو مجلس سنا هنگام اخذ رشوت بازداشت شده‌اند، غنی سناتوران منصوب خود را برکنار کرد. اگر دلیل این اقدام گرفتن رشوت باشد، تا هنوز این جرم ثابت نشده است. اما اگر غنی باور دارد که فعل آن‌ها مشهود بوده است، باز هم در تصمیم خود عجله به خرج داده است. چنان‌که گفته شد، حکم به این‌که چه کسی مجرم است، تنها در صلاحیت محاکم با صلاحیت است.

قاعدتاً جرم یک عمل شخصی است. نمی‌توان جرم این سه سناتور را - در صورت اثبات - به سایر سناتوران تسری داد. با این وصف، هرگاه جرم این سه سناتور ثابت شود، لکه بدنامی آن دامن سایر سناتوران را نیز آلوده خواهد کرد. کما این‌که خطای یک عضو مجلس سنا یا یک عضو مجلس نماینده‌گان بارها به کل این نهادها نسبت داده شده است. اتفاقات شبیه به این، اعتماد مردم نسبت به مجلس سنا را مخدوش می‌کند. هرچند آستانه اعتماد مردم نسبت به این نهاد پیش از این هم زیاد بلند نبوده است.

بی‌بی گل غنی، باری مجلس نماینده‌گان را به دکانی برای خرید و فروش رأی تشبیه کرده بود. قبل بر آن، بعضی از مردم هم لقب «سرای شهزاده» را که بزرگ‌ترین بازار تبادل اسعار در کشور است، به این نهاد داده بودند. این نوع نگاه نسبت به این نهاد یک‌شبه شکل نگرفته است. این نگاه معلول خطاهای متواتری است که نماینده‌گان مجلس مرتکب آن شده‌اند و مردم هم این خطاها را دیده‌اند. البته چنین نگاهی تاکنون در برابر مجلس سنا، به رغم آن‌که بعضی از اعضای آن به فعالیت‌های فراقانونی متهم هستند، وجود نداشته است. هرگاه جرم این سه سناتور متهم به رشوت‌خواری ثابت شود، نگاه مردم نسبت به این نهاد نیز دست‌خوش تغییر خواهد شد.

پیشنهاد رشوت یا درخواست رشوت تا سقف ۴۰ هزار دالر امریکایی، رسوایی کوچکی نیست. این فعل در کنار آن‌که جرم است، بدنام‌کننده نیز است. لذا برای پیش‌گیری از چنین اتفاقاتی، باید به پرونده این سه سناتور به شکل عبرت‌آموز آن رسیده‌گی شود. دستگاه‌های عدلی و قضایی کشور باید تمام ابعاد حقوقی این پرونده را بررسی کنند. با این پرونده نباید برخورد سیاسی شود.



سمیع حامد مشاور ارشد رییس جمهور در امور نوآوری استعفا داد

۸صبح، کابل: سمیع حامد، مشاور ارشد رییس جمهور در امور نوآوری از سمتش استعفا داد. او دلیل استعفای خود را «اجرا» نشدن طرح‌هایش در زمینه نوآوری و «سبوتاژ» کارهایش عنوان کرده است.

آقای حامد در صحبت با روزنامه ۸صبح موضوع استعفايش را تأیید کرد.

در متن استعفانامه سمیع حامد دلایل کناره‌گیری او از سمتش توضیح داده شده است. سمیع حامد در متن استعفانامه‌ی خود گفته است که او نمی‌تواند به کاری که «اجرا» نمی‌شود ادامه دهد و فقط «طراح» باقی بماند.

سمیع حامد در متن استعفانامه‌اش هم‌چنان نوشت است که او هنگام پیوستن به حکومت، به رییس جمهور غنی گفته بود که اگر «زمینه کار واقعی» فراهم نشود، به کارش ادامه نخواهد داد.

حامد در ادامه افزوده است که او سه بار به همین دلیل استعفا داده بود، اما از سوی رییس جمهور غنی پذیرفته نشده است. او این بار اما استعفايش

غنی پذیرفته شده است. او این بار اما استعفايش

سه عضو مجلس سنا به اتهام گرفتن ۴۰ هزار دالر رشوت بازداشت شدند



۸صبح، کابل: دادستانی کل و ریاست عمومی امنیت ملی اعلام کرده‌اند که سه عضو مجلس سنا به اتهام گرفتن ۴۰ هزار دالر امریکایی رشوت به صورت بالفعل بازداشت شده‌اند. رییس جمهور غنی عضویت دو سناتور انتصابی را در مجلس سنا در پیوند به این موضوع لغو کرده است.

این دو نهاد در یک اعلامیه مشترک گفته است که این سه عضو مجلس سنا روز یک‌شنبه، هفتم جدی در ولایت بلخ بازداشت شدند.

در اعلامیه از این سناتوران نام برده نشده است. طبق اعلامیه، منسوبان ریاست عمومی امنیت ملی و نماینده دادستانی کل براساس اطلاعات کشفی در یک عملیات مشترک این سه عضو مجلس سنا را بازداشت کرده‌اند.

در خبرنامه مشترک دادستانی کل و امنیت ملی درباره سرنوشت کسانی که رشوت داده‌اند، جزئیات

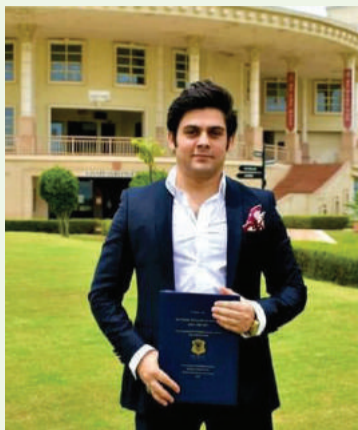
گذرگاه سالنگ پس از ۴۰ ساعت به روی رفت‌وآمد باز شد

۸صبح، کابل: ریاست حفظ و مراقبت سالنگ‌ها خبر داده است که گذرگاه سالنگ که از دو روز به این سو به روی ترافیک بسته شده بود، دوباره باز شده است.

این گذرگاه به دلیل بارش شدید برف، طوفان و ورزش باد از شام روز شنبه، ششم جدی به این سو به روی رفت‌وآمد بسته شده بود، اما روز دوشنبه، هشتم جدی دوباره تردد از آن از سر گرفته شده است.

این گذرگاه که کابل را با ولایت‌های شمال وصل می‌کند، برای ۴۰ ساعت به روی ترافیک بسته بود.

سه تن به ظن ترور یمای سیاوش و همکاری‌شان بازداشت شده‌اند



۸صبح، کابل: محمدمسعود اندرابی، وزیر امور داخله گفته است که سه تن در پیوند به ترور یمای سیاوش و دو همکاری‌شان بازداشت شده‌اند.

اندرابی این مطلب را روز گذشته در نشست کمیته مشترک حکومت و رسانه‌ها که به ریاست سرور دانش، معاون دوم ریاست جمهوری برگزار شد، مطرح کرده است.

وزیر امور داخله گفته است که تحقیقات جدی در هم‌آهنگی با ریاست عمومی امنیت ملی برای روشن‌شدن این قضیه جریان دارد. یمای سیاوش، مشاور امور روابط عامه امریت عمومی دفتر ریاست بانک مرکزی، احمدالله انس، معاون اجرایی و پروتوکولی امریت عمومی دفتر ریاست بانک مرکزی و امین‌الله رضایی، راننده بانک مرکزی در هفدهم عقرب در انفجاری در ناحیه نهم شهر کابل کشته شدند.

خانواده یمای سیاوش از کندی در بررسی پرونده قتل یمای سیاوش شکایت دارد و این شکایت تا شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز رسیده است.



از جانب دیگر، نشست کمیته مشترک حکومت و رسانه‌ها رویدادهای تروریستی را که به قتل خبرنگاران، فعالان رسانه‌ای و حقوق بشری منجر شده است، بررسی کرده است.

مسعود اندرابی در این نشست گفته است: «دشمن در جبهات جنگ شکست خورده و به همین دلیل اکنون روی اهداف نرم تمرکز کرده و برای رسیدن به اهداف خود از شیوه‌های مختلف استفاده می‌کند که حوادث اخیر بخشی از اهداف کلان دشمن است.»

اندرابی هم‌چنان گفته است که یک نفر در پیوند به کشته‌شدن الیاس داعی، خبرنگار رادیو آزادی در هلمند بازداشت شده و یک عضو گروه طالبان در پیوند به کشته‌شدن رحمت‌الله نیک‌زاد خبرنگار آزاد در غزنی شناسایی شده، اما بازداشت نشده است. به گفته او، دو مظنون دیگر نیز در رابطه به قتل فرشته کوهستانی و برادرش در کاپیسا و دو نفر دیگر در رابطه به قتل ملالی میوند خبرنگار در ننگرهار بازداشت شده‌اند.

مسوولان ریاست عمومی امنیت ملی نیز در این نشست گفته‌اند، طبق تحقیقاتی که انجام شده است، حمله بر رحمت‌الله نیک‌زاد و فرشته کوهستانی توسط گروه طالبان انجام شده و در ارتباط به قتل یوسف رشید هنوز سرنخی موجود نیست.

سرور دانش، معاون دوم ریاست جمهوری در این نشست به وزارت امور داخله و ریاست عمومی امنیت ملی دستور داده است که یک رهنمود را برای تأمین امنیت خبرنگاران و رسانه‌ها تهیه کنند.

این در حالی است که در روزهای اخیر الیاس داعی خبرنگار رادیو آزادی، ملالی میوند مجری تلویزیون انعکاس در ننگرهار، رحمت‌الله نیک‌زاد خبرنگار آسوشیئدپرس و الجزیره، یوسف رشید رییس اجرایی بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه و فرشته کوهستانی فعال مدنی و حقوق زن ترور شده‌اند.

افزایش فشار روانی؛

ترورهای اخیر، حمله بر نسل کنونی و ارزش‌های جمهوریت است

مورد جلوگیری از قتل‌های زنجیره‌ای خبرنگاران، پی‌گرد مظنونان و رسیدگی عدلی و قضایی به رسانه‌ها ارایه شده، «قتاعت‌بخش» نبوده است. با این حال، در دیداری که خبرنگاران با شهرداد اکبر، رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر داشته‌اند، هشدار داده‌اند که در صورت محافظت نشدن جان‌شان از سوی حکومت، احتمال دارد برخی از خبرنگاران کشور را ترک کنند. این کمیسیون از عواقب وضعیت کنونی ابراز نگرانی کرده و گفته است که افزایش حملات هدفمند سبب افزایش خودسانسوری در جامعه رسانه‌ای شده و ادامه این وضعیت می‌تواند پی‌آمدهای ناگواری به ویژه برای کار خبرنگاری داشته باشد.

خبرنگاران نگران وضعیت هستند

شماری از خبرنگاران نیز ادامه این روند و سکوت حکومت را پرسش‌برانگیز می‌دانند. ذوالفقار محمدی، یک تن از خبرنگاران، گفت که ادامه حملات هدفمند بالای کارمندان رسانه‌ها، موجی از وحشت را خلق کرده و این روند سایه تاریک بر کارکرد خبرنگاران گسترده است. به گفته محمدی، اکثر خبرنگاران پس از ترور همکاران‌شان، دست به خودسانسوری می‌زنند. او با انتقاد از حکومت گفت، علی‌رغم این‌که در ماه‌های اخیر جامعه رسانه‌ای کشور بیش‌تر مورد هدف قرار گرفته، اما حکومت و نهادهای امنیتی سکوت اختیار کرده و کدام اقدام جدی نکرده‌اند. این خبرنگار تصریح کرد که اگر وضعیت همین‌گونه ادامه پیدا کند، اعتماد مردم، به ویژه خبرنگاران، نسبت به حکومت و نهادهای امنیتی کم‌تر خواهد شد. او از نهادهای امنیتی خواست که امنیت خبرنگاران را تأمین کند تا چرخه اطلاع‌رسانی با سکتگی مواجه نشود.

در همین حال، وزارت امور داخله وعده داده است که برای تأمین امنیت خبرنگاران، اقدامات جدی روی دست می‌گیرد. محمدمسعود اندرابی، وزیر امور داخله، در دیداری با امرالله صالح، معاون دوم ریاست جمهوری، گفته است که وزارت امور داخله تیم‌های ویژه‌ای برای پی‌گیری قضایای قتل خبرنگاران و جلوگیری از تهدیدات بالقوه علیه خبرنگاران، فعالان مدنی و فعالان حقوق بشری توظیف کرده و به قوماندانان امنیه ولایات دستور داده است که با رسانه‌ها، نهادهای مدنی و نهادهای حقوق بشری همکاری و ارتباط منظم و جدی داشته باشند. معاونت اول ریاست جمهوری نیز تأیید می‌کند که طرح دوبرابری تشکیل پولیس کابل از سوی «جلسات شش‌ونیم/میتاق امنیتی» آماده شده است. به گفته آقای صالح، ارزیابی مقایسه‌ای نشان می‌دهد که حتا در حالت «ثبات و آرامی» کابل کم‌ترین تعداد پولیس را به تناسب جمعیتش در سطح جهان و به خصوص کشورهای جهان سومی دارد. وی اما تصریح کرد که افزایش تشکیل پولیس کابل با «حوصله‌مندی و دقت» انجام خواهد شد و از ورود افرادی که شرایط و معیارهای لازم را نداشته باشند، به صفوف پولیس، جلوگیری می‌شود.

گفتنی است که هم اکنون حدود ۱۰ هزار پولیس برای تأمین امنیت شهر کابل موظف‌اند. پیش‌تر وزارت امور داخله گفته بود که بخشی از پولیس در میدان‌های جنگ حضور دارند و تلاش می‌شود که روند برگشت پولیس به وظیفه اصلی‌شان آغاز شود. گفتنی است که در جریان دو ماه اخیر، چندین حمله خونین علیه خبرنگاران و فعالان جامعه مدنی انجام شده است. نگرانی‌ها از این ناحیه پس از ترور یما سیاوش، الیاس داعی، ملاله میوند، رحمت‌الله نیک‌زاد، یوسف رشید و فرشته کوهستانی بیش‌تر شده است. سفارت ایالات متحده امریکا در کابل در اوایل سال جاری از افزایش احتمالی تهدیدها علیه فعالان جامعه مدنی خبر داد. این در حالی است که به گفته اعضای هیأت مذاکره‌کننده دولت، ترورهای اخیر ربط مستقیم به روند صلح دارد و بخشی از سازمان‌های استخباراتی منطقه در تلاش‌اند تا این روند را تخریب کنند.



بالای پولیس، دستگاه عدلی و قضایی نیز فعال شود تا بدین ترتیب، اقدامات سریع‌تر شود و مردم اراده حکومت را ببینند.

در همین حال سرور دانش، معاون دوم رئیس جمهور و رئیس کمیته مشترک رسانه‌ها و حکومت، ترور نهادهای خاص رسانه‌ای، فعالان مدنی و حقوق بشری را «تکان‌دهنده» توصیف کرد. او به وزارت امور داخله هدایت داد تا برای تأمین امنیت خبرنگاران، فعالان مدنی، فعالان حقوق بشر و فعالان حقوق زن یک بخش ویژه را در تشکیل‌اتش ایجاد و برای مراقبت دوام‌دار از افراد آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر کار کند. آقای دانش از کندی در روند تحقیق قضایای قتل خبرنگاران، فعالان مدنی و حقوق بشری توسط بخش‌های کشفی و تحقیقاتی، ابراز نارضایتی کرد و خواستار تسریع این روند و شریک ساختن جزئیات آن با مردم شد. آقای دانش به وزارت امور داخله و ریاست عمومی امنیت ملی نیز دستور داد که یک رهنمود واحد برای تأمین امنیت رسانه‌ها و خبرنگاران تهیه کنند و در اختیار این نهادها قرار دهند. معاون دوم ریاست جمهوری تأکید کرد که رهبری حکومت برای حمایت از آزادی بیان، آزادی رسانه‌ها و حمایت از فعالان حقوق بشری و جامعه مدنی اراده کامل دارد. سرور دانش هم‌چنان در ارتباط به انتقال خبرنگاران زیر تهدید از ولایات به کابل، گفت که این مساله را تعقیب می‌کند و تلاش دارد تا با آن‌ها همکاری شود.

حمله بر خبرنگاران، فشارهای روانی در پی داشته است

در همین حال، کمیسیون مستقل حقوق بشر با نشر اعلامیه‌ای گفته است که در چند ماه گذشته، ترورهای هدفمند خبرنگاران، بر روند کار اطلاع‌رسانی در سراسر کشور اثر منفی گذاشته است. به گفته این نهاد، برخی از خبرنگاران به ویژه خبرنگاران زن به دلیل تهدیدات امنیتی، کارشان در ولایات را ترک کرده‌اند. کمیسیون مستقل حقوق بشر هم‌چنان تصریح کرده که دسترسی خبرنگاران حتا به ولسوالی‌ها نیز دشوار شده است. این کمیسیون افزوده است: «خبرنگاران در شماری از شهرها نمی‌توانند به ساده‌گی گشت‌وگذار کنند. بعضی از خبرنگاران و نهادهای رسانه‌ای در ولایات با تهدید برخورد کرده و هنگامی که به نهادهای مسوول دولتی گزارش داده‌اند، با سهل‌انگاری این نهادها مواجه شده‌اند.»

کمیسیون مستقل حقوق بشر در اعلامیه‌اش گفته است که جامعه خبرنگاری کشور در ماه‌های اخیر زیر فشار روانی شدید قرار داشته و خبرنگاران نگران‌اند که ساحه کار و زنده‌گی برای‌شان محدودتر شود. این نهاد از کم‌کاری حکومت در این زمینه انتقاد کرده و گفته است اطلاعاتی که در

مسوولان و مدیران رسانه‌ها نیز مسوولیت دارند تا برای حفظ جان خبرنگاران و کارمندان‌شان اقدامات مورد نیاز را روی دست گیرند.

ترورهای اخیر، حمله بر ارزش‌های جمهوریت است

محمدآشرف غنی، رئیس جمهور، نیز روز دوشنبه، هشتم جدي، در نشست کابینه، حملات اخیر بالای خبرنگاران و فعالان حقوق بشر را حمله بر یک نسل، ارزش‌های اسلامی و وجدان‌ها خواند و

در جریان دو ماه اخیر بیش از

پنج خبرنگار و چهار فعال مدنی

در کشور توسط افراد مسلح

ناشناس کشته شده‌اند. ادامه

این وضعیت، نگرانی‌هایی را در

مورد فعالان مدنی و رسانه‌ای

بیش‌تر ساخته است. نجیب‌الله

شریفی، رئیس کمیته مصونیت

خبرنگاران افغان، روز دوشنبه،

هشتم جدي، به روزنامه ۸ صبح

گفت که در جریان روزهای اخیر،

خبرنگاران و جامعه رسانه‌ای

با موجی از تهدیدات امنیتی

مواجه‌اند. به گفته او، این

تهدیدات در کابل و به ویژه

ولایات بیش‌تر شده و این سبب

شده که نهادهای حامی رسانه‌ها،

شماری از خبرنگاران زیر تهدید

را از ولایات به کابل منتقل

کنند. هرچند رئیس کمیته

مصونیت خبرنگاران در مورد

این خبرنگاران جزئیات بیش‌تر

به دست نداد، اما بیان داشت

که آنان به جای امن منتقل

شده‌اند.

گفت که هدف این حملات، از بین بردن ثبات، اعتماد و ناامید ساختن جوانان است. آقای غنی گفت، ممکن است این حملات خشم و انتقام‌جویی شهروندان را در پی داشته باشد، اما این حس باید جهت‌دار و هدفمند باشد و به تزلزل نینجامد. به باور رئیس جمهور، حس انتقام و خشم باید موجب یک اراده شود. رئیس جمهور غنی به نهادهای امنیتی هدایت داد تا به قضایای ترور روزهای اخیر رسیده‌گی شود و معاونت اول نیز تلاش‌هایش را در راستای تأمین امنیت تسریع بخشید. او گفت که نیاز است همه اقشار انسجام یابند و افزون بر اعتماد

افزایش حملات هدفمند و تهدیدها، فشار روانی علیه فعالان مدنی و رسانه‌ای را بیش‌تر کرده است. در این میان، شماری از خبرنگاران که در ولایات‌ها زیر تهدید امنیتی قرار داشتند، به محل امن پایتخت منتقل شده‌اند تا زیر پوشش امنیتی قرار گیرند. این تصمیم به دنبال شکل گرفتن موجی از تهدیدها علیه خبرنگاران و فعالان مدنی روی دست گرفته شده است. ارگ ریاست جمهوری می‌گوید که حمله فعالان رسانه‌ای و جامعه مدنی، در واقع حمله بر یک نسل و ارزش‌های جمهوریت است. معاونت دوم ریاست جمهوری نیز ترور و تهدید خبرنگاران و فعالان مدنی را «تکان‌دهنده» توصیف کرده و از وزارت امور داخله خواسته است که برای تأمین امنیت خبرنگاران، فعالان مدنی، فعالان حقوق بشر و فعالان حقوق زن، یک بخش ویژه را ایجاد و برای مراقبت دوام‌دار از افراد آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر کار کند. کمیسیون مستقل حقوق بشر در سهم خود افزایش



عبدالحمید حسینی

حملات بر خبرنگاران را زمینه‌ساز خودسانسوری خبرنگاران و متاثر شدن چرخش اطلاعات خوانده است. به باور این کمیسیون، جامعه رسانه‌ای کشور به دنبال افزایش تهدیدات، تحت فشار روانی قرار گرفته است. معاونت اول ریاست جمهوری اما اعلام کرد که طرح دو برابری تشکیل پولیس کابل آماده شده است. بدین ترتیب، شمار پولیس در شهر کابل از مرز ۲۰ هزار نفر فراتر می‌رود.

در جریان دو ماه اخیر بیش از پنج خبرنگار و چهار فعال مدنی در کشور توسط افراد مسلح ناشناس کشته شده‌اند. ادامه این وضعیت، نگرانی‌هایی را در مورد فعالان مدنی و رسانه‌ای بیش‌تر ساخته است. نجیب‌الله شریفی، رئیس کمیته مصونیت خبرنگاران افغان، روز دوشنبه، هشتم جدي، به روزنامه ۸ صبح گفت که در جریان روزهای اخیر، خبرنگاران و جامعه رسانه‌ای با موجی از تهدیدات امنیتی مواجه‌اند. به گفته او، این تهدیدات در کابل و به ویژه ولایات بیش‌تر شده و این سبب شده که نهادهای حامی رسانه‌ها، شماری از خبرنگاران زیر تهدید را از ولایات به کابل منتقل کنند. هرچند رئیس کمیته مصونیت خبرنگاران در مورد این خبرنگاران جزئیات بیش‌تر به دست نداد، اما بیان داشت که آنان به جای امن منتقل شده‌اند.

با این حال، نجیب شریفی از ادامه این وضعیت ابراز نگرانی کرد و گفت، ادامه تهدیدات امنیتی سبب شده که رسانه‌ها دست به خودسانسوری بزنند و چرخه گردش اطلاعات با محدودیت مواجه شود. او از عمل‌کرد حکومت به ویژه نهادهای امنیتی در زمینه رفع این تهدیدات، ابراز نارضایتی کرد و گفت: «نهادهای امنیتی مسوولیت‌شان را درست ادا نکرده‌اند. رضایت نداریم. ما توقع داشتیم که حکومت اقدامات عاجل را روی دست گیرد، اما بی‌تفاوت بوده است.» با این حال وی یادآور شد که این نهاد برای رفع تهدیدات امنیتی با نهادهای مختلف کار می‌کند تا یک راهکار مناسب برای جلوگیری از حملات به وجود آورند.

مجیب خلوت‌گر، رئیس اجرایی نهاد حمایت‌کننده رسانه‌های آزاد افغانستان (نی) نیز از افزایش تهدیدات علیه خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای ابراز نگرانی کرد. او به روزنامه ۸ صبح گفت که در جریان روزهای اخیر، فعالان جامعه مدنی، به ویژه خبرنگاران با موجی از تهدیدات امنیتی مواجه‌اند. آقای خلوت‌گر تصریح کرد که برخی از خبرنگاران به دلیل تهدیدات امنیتی، به کابل خواسته شده‌اند. به گفته او، حکومت و نهادهای امنیتی در دیدار با نهادهای حامی خبرنگاران و مسوولان رسانه‌ای، تعهد سپرده‌اند که برای رفع تهدیدات اقدامات جدی روی دست دارند. رئیس اجرای نی خاطرنشان کرد، در صورتی که نهادهای حکومتی به تعهدشان عمل کنند، مشکلات تا حدودی حل خواهد شد. آقای خلوت‌گر هم‌چنان تأکید کرد که

راه پریچ وخم کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی



طرف از جنگ و صلح از جدی‌ترین مواردی است که در جریان مذاکره به بحث گرفته خواهد شد. پیش‌بینی می‌شود که رسیدن به توافق نهایی زمان‌بر و پرچالش خواهد بود. چون تنها کارشویه مذاکرات ۹۰ روز را در بر گرفت.

تا هفت روز دیگر، دور دوم مذاکرات با تمرکز بر آجندای اصلی صلح آغاز می‌شود. بنابراین لازم است که کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی هر چه زودتر نظم بگیرد و بخش‌های مرتبط به آن فعال شود. در تشکیلات این شورا بخش واحد تحقیق و تحلیل و مجمع عمومی در نظر گرفته شده است. باید این بخش‌ها کار را روی تحلیل آجندا و ضمیمه‌های آن، تحلیل وضعیت، گزینه‌های فشار، ابعاد منازعه و اصول جلسات کمیته رهبری قبل از برگزاری آن آغاز کنند.

مهم‌ترین اولویت برای شورای عالی مصالحه ملی این است که در ابتدا دستور کار جلسات کمیته رهبری را نهایی کند که چگونه اعضای کمیته رهبری و با چه مکانیسمی بحث‌ها را ادامه دهند، کالبد شکافی کنند و آجندای شورا روی چه مواردی متمرکز باشد. قبل از نشست این کمیته، لازم است که آجندا از سوی تیم‌های تخنیکی بررسی شود و زمانی که در کمیته رهبری مطرح می‌شود، اعضا در روشنایی مسایل قرار داشته باشند و تمرکز اصلی روی

دومین نشست کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی روز شنبه، ۶ جدی با حضور اعضای رهبری و هیأت مذاکره‌کننده صلح در قصر سپیدار برگزار شد.

در بخش اول نشست، بحث‌های عمومی و رسانه‌ای صورت گرفت و بخش دوم آن که بدون حضور رسانه‌ها ادامه یافت، روی چگونگی دستور کار جلسات این کمیته و آجندای دور دوم مذاکرات متمرکز بود که قرار است تا هفت روز دیگر برگزار شود.

در مدتی که اعضای هیأت مذاکره‌کننده در کابل به سر می‌برند، فرصت خوبی برای کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی به میان آمده است تا روی نقشه راه صلح و مکانیسم تصمیم‌گیری در جریان دور دوم مذاکرات تفحص و کار کند. هیأت مذاکره‌کننده صلح افغانستان بدون نقشه راه صلح، عقبه قوی سیاسی و صف واحد و هم‌نظر در کابل، در میز مذاکره موفق بوده نمی‌تواند.

با آن که توافق‌نامه صلح امریکا با طالبان و آزادی زندانیان طالب موضع حکومت افغانستان را ضعیف کرده بود، هیأت مذاکره‌کننده صلح در دور اول مذاکرات خوب درخشید و توانست بن‌بست را بشکند. اما حساسیت و جدیت دور دوم مذاکرات به مراتب دشوارتر و پریچ‌وخم‌تر از دور اول است. بحث قانون اساسی، نوع نظام سیاسی، ارزش‌ها و دست‌آوردهای ۱۹ سال پسین و ابزارها و روایت‌های دو

خداپار نایب‌زاده، روزنامه‌نگار



در بخش اول نشست، بحث‌های عمومی و رسانه‌ای صورت گرفت و بخش دوم آن که بدون حضور رسانه‌ها ادامه یافت، روی چگونگی دستور کار جلسات این کمیته و آجندای دور دوم مذاکرات متمرکز بود که قرار است تا هفت روز دیگر برگزار شود. در مدتی که اعضای هیأت مذاکره‌کننده در کابل به سر می‌برند، فرصت خوبی برای کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی به میان آمده است تا روی نقشه راه صلح و مکانیسم تصمیم‌گیری در جریان دور دوم مذاکرات تفحص و کار کند. هیأت مذاکره‌کننده صلح افغانستان بدون نقشه راه صلح، عقبه قوی سیاسی و صف واحد و هم‌نظر در کابل، در میز مذاکره موفق بوده نمی‌تواند.

مذکره‌کننده صلح افغانستان بدون نقشه راه صلح، عقبه قوی سیاسی و صف واحد و هم‌نظر در کابل، در میز مذاکره موفق بوده نمی‌تواند.

محور بحث‌ها باشد نه جزئیات.

کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی در روزهای شبانه و یک‌شنبه بی‌هم جلسه داشت. انتظار می‌رود که مکانیسم هماهنگی میان این کمیته و هیأت مذاکره‌کننده شکل بگیرد و از پراکنده‌گی و چند دسته‌گی در روند جلوگیری شود. رهبری شورای عالی مصالحه ملی مسوولیت دارد که این هماهنگی را ایجاد کند و صف کابل را واحد و هم‌نظر بسازد تا دست‌آوردها و ارزش‌های مردم افغانستان که در جهان امروز مقبول و مقبول است، حفظ و تقویت شود.

عبدالله عبدالله روز شنبه در نشست کمیته رهبری گفت که باید اعضای رهبری این کمیته از بحث‌های تشریفاتی و فرمالیته بگذرند و بیشتر روی مسوولیت و فوریت کار که تأمین صلح با عزت و پایدار است، بپردازند. این مورد یک عامل تأثیرگذار در ادامه کار کمیته رهبری شورای عالی مصالحه است که می‌تواند روند تصمیم‌گیری را تسریع و با یکدیگر مواجه سازد.

مردم افغانستان در شرایطی قرار ندارند که رهبران و

تحصیل در هند؛

پنداشت‌ها و واقعیت‌ها



احمدشاه کهزاد

نمی‌توانند در جامعه مفید واقع شوند.

۵. درگیری‌های روزمره‌گی دانشجویان خارجی به مسایل حاشیه‌ای

افزون بر عیب‌هایی که نظام آموزشی هند دارد و جدا از نقدهایی که بر شیوه تدریس استادان وارد است، کم‌توجهی و سهل‌انگاری دانشجویان افغان نیز نباید از نظر دور بماند.

بسیاری از دانشجویان برای حضور در صنف درسی و سهم‌گیری در فعالیت‌های صنفی علاقه ندارند و به جای این‌که با تلاش‌های شبانه‌روزی‌شان خلاهای موجود را پر و از امکانات دست‌داشته استفاده حداکثری کنند، استادان و نظام آموزشی را ملامت می‌کنند. اساساً مسوولیت ما دانشجویان در وهله اول فراگیری درس‌های دانشگاه‌ها و در قدم دوم آشنایی با زبان و فرهنگ کشور میزبان و الزام احترام به اتباع و قوانین آن کشور است؛ اما متأسفانه برای شماری از محصلان افغان چنین نیست. دانشجویان هر آن رسم و عنعنات مردم هند که به زعم‌شان درست نمی‌آید را به تمسخر می‌گیرند و اکثراً بدون جواز و کلاه محافظتی راننده‌گی می‌کنند. این مسأله باعث شده است که هندی‌ها برای دانشجویان افغان به سختی خانه به کرایه بدهند. عدم آشنایی با زبان انگلیسی، برقرار کردن ارتباط عاطفی، اعتیاد به الکل و رو آوردن به درگیری‌های قومی و سستی مواردی است که دانشجویان افغان را از درس و دانشگاه دور نگه داشته است.

جمع‌بندی

کاستی‌هایی که به صورت موردی وصف آن رفت، قطعاً به این مفهوم نیست که تحصیلات عالی در هند خالی از مفاد است. بدون شک مزایای تحصیل در هند به مراتب بیشتر از عیب‌های آن است و امکاناتی که در اختیار دانشجویان قرار دارد و سهولت‌هایی که دانشجویان از آن برخوردار هستند، بیش‌تر از آن‌چه است که ما در کابل و در افغانستان داریم. افزون بر این، مخاطب آن‌چه که در این مقاله به عنوان کاستی به آن اشاره شد، دولت هند و سفارت هند در کابل نیست، چون ما در موقعیتی قرار نداریم که برای کشور میزبان تعیین تکلیف کنیم. مخاطب من در این مقاله سفارت افغانستان است تا در انتخاب دانشگاه‌ها و کالج‌هایی که با آنان قرارداد می‌بندد، دقت بیش‌تر کند و هم‌چنان دانشجویانی که هند را به عنوان مقصد تحصیلی‌شان انتخاب می‌کنند باید در انتخاب دانشگاه‌ها دقت لازم داشته باشند.

و این مهم باعث شده است که استادان هندی در صنف‌های درسی، بیش‌تر به زبان محلی و هندی صحبت کنند تا زبان انگلیسی.

۳. غیابت استادان مجرب و سیاست‌زده‌گی بسیاری از دانشگاه‌ها و کالج‌ها

برخلاف تصور رایج در میان ما افغان‌ها، کالج‌ها و دانشگاه‌هایی که حداقل دانشجویان افغانی آن‌جا معرفی می‌شوند، تا حدودی سیاست‌زده است. استادان و دست‌یاران‌شان به اساس زدوبندهای سیاسی و حزبی بدون آن‌که واجد شرایط باشند و یا توان تدریس رضایت‌بخش را داشته باشند، استخدام می‌شوند. رقم اندکی از استادان توانایی پیش‌برد کلاس‌های درسی را دارند و صاحب معلومات تازه‌اند؛ اما سایر استادان و دست‌یاران دانش لازم در بخش مربوطه ندارند و جالب‌تر این‌که به زبان انگلیسی که یکی از دو زبان رسمی هندوستان است، نمی‌توانند به صورت روان صحبت کنند. هرچند دانشجویان خارجی بارها شکایت‌های‌شان را به گوش مسوولان رسانده‌اند که تدریس به زبان محلی و هندی متوقف شود، اما تاکنون به این شکایت‌ها توجه نشده است. پیشنهاد ما به دانشجویانی که جدیداً در بورسیه‌های هند درخواست می‌دهند این است که در انتخاب کالج‌ها و دانشگاه‌ها دقت بیش‌تری داشته باشند و دست‌کم از میان بد و بدتر، بد را انتخاب کنند.

۴. نبود پایان‌نامه در ختم دوره تحصیلی

در کنار کاستی‌ها و مشکلات عدیده‌ای که به آن اشاره شد، نبود پایان‌نامه در ختم دوره تحصیلی (مقطع ماستری) در بسیاری از دانشکده‌ها/واحد‌ها نامیدکننده است و این نشان می‌دهد که نظام آموزشی هند در چه حدی معیوب و ناقص است. در هند در شماری از برنامه‌های ماستری چیزی به‌نام پایان‌نامه وجود ندارد. در چنین وضعیتی که زمینه پرس‌وجو وجود نداشته باشد و دانشجویان نتوانند سمینار ارایه کنند، پژوهش‌های علمی انجام دهند و مهم‌تر از همه این‌که پایان‌نامه نداشته باشند، قطعاً پس از فراغت

دهد، تا بتواند زمینه تحصیلات عالی بهتری را در دانشگاه‌ها و کالج‌های بهتر هند برای دانشجویان افغان فراهم کند. اما متأسفانه تا هنوز این مشکل توسط هیچ نهادی برطرف نشده است و کماکان برای دانشجویان افغان در دانشگاه‌ها و کالج‌های معتبر هند و خصوصاً در رشته‌های چون فناوری، پزشکی و مهندسی پذیرش داده نمی‌شود. بسیاری از دانشجویان افغان نه تنها در دانشگاه‌هایی که استانداردهای بالای آموزش را دارد، معرفی نمی‌شوند، بلکه تعدادی به دورافتاده‌ترین دانشگاه‌های خصوصی در برخی ایالات نظیر سیگالیا و آسام معرفی می‌شوند که گفته می‌شود این دانشگاه‌ها سند جعلی صادر می‌کنند که ممکن است سفارت افغانستان بر این امر واقف باشد.

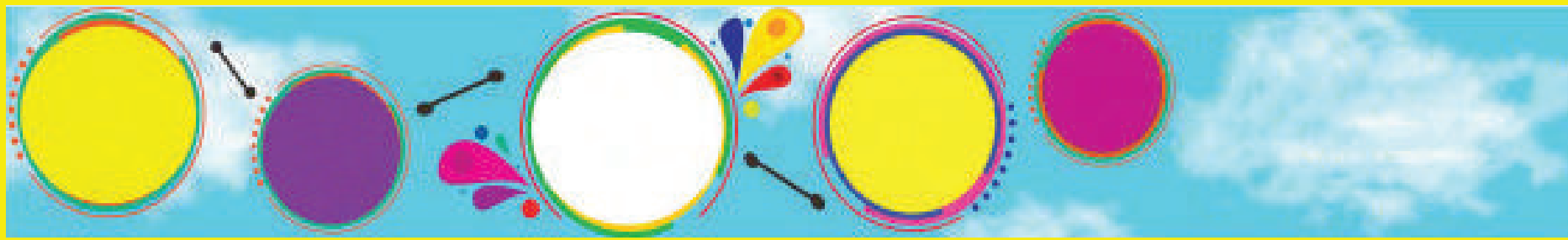
۲. دست‌اندرکاران، کیفیت درسی را قربانی کمیت می‌کنند

تعدد بیش از اندازه دانشجویان در صنف‌های درسی در مقاطع لیسانس و ماستری نشان می‌دهد که دست‌اندرکاران تحصیلات عالی هندوستان کیفیت را قربانی کمیت می‌کنند. به طور نمونه در دانشگاه آندرا، در صنف‌های درسی MBA و M.A Public Administration، به ترتیب ۱۰۰ و ۸۰ محصل برحال روزانه در صنف حاضری دارند. چون تراکم نفوس در هند بالا و رقم متقاضیان تحصیلات عالی زیاد و امکانات تحصیلی ناچیز است، بنابراین دست‌اندرکاران امور استدلال می‌کنند که اگر رقم داخله صنف‌های درسی را به رقم استاندارد آن کاهش دهند، بخش بزرگی از دختران و پسران هندی از تحصیلات عالی باز می‌مانند. به هر صورت، در صنف‌های ماستری با وضعیتی که وصف آن رفت، قطعاً زمینه پژوهش‌های علمی و حتا ارایه سمینار ممکن نیست. نظام درسی هند استاد محور است و متأسفانه استادان نه تنها که قابل دست‌رس نیستند، بلکه برخورد بسیاری از آنان با محصلان آمرانه است. انصافاً فهم و درک تعدادی از دانشجویان هندی و خارجی در حدی نیست که سند کارشناسی ارشد بگیرند. درک و دانش‌شان در رشته‌های مربوطه ناچیز و بیش‌تر شان با زبان انگلیسی آشنایی ندارند

هندوستان از جندی به این سو، بزرگ‌ترین مقصد تحصیلی برای دانشجویان افغان محسوب می‌شود. گفته می‌شود که امروزه بالای ۱۶۰۰۰ دانشجوی افغان در مقاطع مختلف تحصیلی در ایالات ۲۹ گانه هند مصروف تحصیل‌اند و سالانه رقم درشتی از دانش‌آموخته‌گان افغانی از دانشگاه‌ها و کالج‌های این کشور سند فراغت می‌گیرند و به افغانستان بر می‌گردند. احتمالاً از آن‌جایی که هزینه بودوباش و فیس (شهریه) دانشگاه‌ها در هند مناسب است و مهم‌تر این‌که برای ورود به دانشگاه‌ها، سند تافل و آیلتس نیاز نیست، دانشجویان زیادی در سطح بین‌المللی علاقه‌مند ادامه و اتمام تحصیلات عالی‌شان در کشور هند هستند. مزایا و سهولت‌های تحصیلی در هند به مراتب بیش‌تر از عیب‌های آن است که از یادآوری آن در این نوشته صرف نظر شده است. این‌جا تنها از کاستی‌های نظام آموزشی، مشکلاتی که دانشجویان افغان به آن گرفتار اند و هم‌چنان روند توزیع بورس‌ها از طرف کشور بورس‌دهنده (هند) به صورت موردی سخن گفته شده است.

۱. روند معرفی دانشجویان افغان به دانشگاه‌ها و کالج‌ها

بخش بزرگ بورسیه‌ها در کابل به اساس ملاحظات شخصی و سیاسی به چهره‌های بانفوذ و بعضی جریان‌های سیاسی اختصاص داده می‌شود. افرادی که از جانب چهره‌های سیاسی معرفی می‌شوند، بدون این‌که با زبان انگلیسی آشنا و واجد شرایط باشند، کامیاب می‌شوند و تأسفیب‌بارتر این‌که در دانشگاه‌ها و کالج‌هایی که وضعیت بهتری دارند، راه پیدا می‌کنند. اما در جانب دیگر، افراد زیادی بدون پشتوانه که از طریق رقابت عمومی موفق می‌شوند، به دانشگاه‌ها و کالج‌هایی معرفی می‌شوند که از امکانات و سهولت‌های اندکی برخوردار است و حتا ممکن در ختم دوره تحصیلی، سند فاقد اعتبار و کیفیت به دست آورند که در تأیید آن به هزار و یک مشکل گرفتار می‌شوند. سفارت جمهوری اسلامی افغانستان اساساً باید در چانه‌زنی‌ها با دولت هند در خصوص دانشگاه‌ها و کالج‌ها دقت بیش‌تری به خرج



+ (93) 700 175 510 / + (93) 788 788 799

جهت سفارش آگهی‌تان با شماره‌های روبه‌رو در تماس شوید:

روزنامه ۸ صبح برای توسعه کسب و کارتان صفحه‌ی ویژه تبلیغات ایجاد کرد. روزنامه ۸ صبح به هدف کمک و حمایت از توسعه مشاغل و تجارت، تبلیغات شما را با هزینه کم‌تر و کیفیت بهتر نشر می‌کند. این روزنامه یک صفحه‌ی ویژه تبلیغاتی را به همین منظور راه‌اندازی کرده است. در این صفحه‌ی ویژه به تناسب استطاعت شما فضا وجود دارد. ما با داشتن تیراژ بلند در نسخه‌ی چاپی و مخاطبان حداکثری در پایگاه‌های مجازی‌مان آماده همکاری با مشاغل و کسب‌وکارهای مختلف هستیم تا تبلیغات شما را با مخاطبان خود به اشتراک بگذاریم.

سال سیزدهم
قیمت: ۲۰ افغانی

بهزاد فرنیچر



Email: behzad.dost@gmail.com 0781 700 000

بهزاد فرنیچر کیفیت بهتر

آدرس: چهارراهی بره‌کی، کابل، افغانستان

مؤسسه نشر وازه

پیشرو در امور چاپ، نشر و پخش کتاب



دفتر مرکزی و فروشگاه ۱: کابل، کارته ۳، چهارراه پل سرخ، مارکت تجاری ملی، منزل پایین، نشر وازه
فروشگاه ۲: کابل، پل سوخته، چوک شهید مزاری، مارکت محمدی، نشر وازه
چاپخانه: کابل، شهرک امید سبز، فاز اول، چاپ وازه، پلاک ۲۲
۰۷۸۰۷۴۷۴۳۰ - ۰۷۸۰۷۴۷۳۴۷

Vazha.Publication NashreVazha VazhaPub

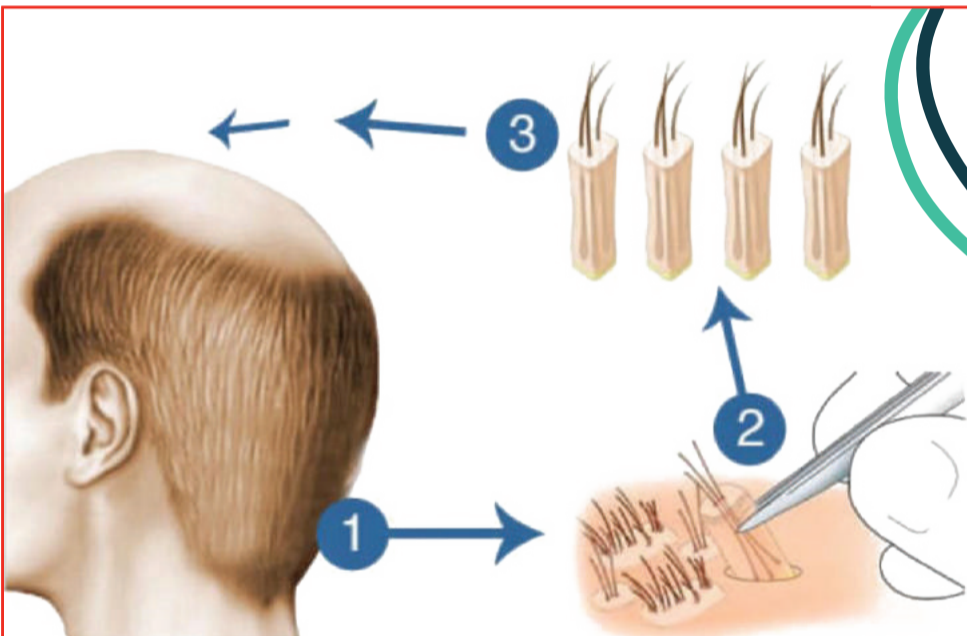
شفاخانه آینه صحت

تخفیف ویژه
۲۸۰۰۰ افغانی

• کاشت مو طبیعی به روش FUE

کاشت مو یکی از تداوی‌های عمده و اساسی برای طاسی سر است. در این تداوی موها از ساحات عقب سر یعنی قسمت‌هایی که موها قوی‌تر هستند و مساعد به ریزش نیستند گرفته شده و به قسمت جلو سر یعنی جاهای خالی انتقال داده می‌شود. قبلاً هموطنان ما برای اجرای این عملیه مجبور به سفر به خارج از کشور بودند اما فعلاً این عملیه در داخل کشور با مصارف کمتر قابل اجرا است. تیم مرکز جلدی و زیبایی شفاخانه آینه صحت با سرپرستی داکتر پامیر حسین صالحی، داکتر میوند حبیب و داکتر وحیدالله عاشر، با در نظر داشت شرایط اقتصادی هموطنان ما کاشت مو را با کیفیت عالی و تخفیف ویژه انجام می‌دهد.

آدرس: بین چهارراهی پروان دوم و گل سرخ، شفاخانه آینه صحت
شماره تماس: ۰۷۸۱۲۳۵۰۴۰



BARTARTECH
INNOVATIVE & DIGITAL SOLUTIONS

شرکت خدمات IT
برتر تیک

لیست بهترین خدمات ما

- طراحی وبسایت
- وب هاستینگ و ثبت دامین
- طراحی و توسعه دیتابیس
- ساخت برنامه‌های موبایل
- طراحی و پیاده سازی نتورک
- نصب کامره‌های امنیتی
- بازاریابی از طریق شبکه‌های اجتماعی
- گرافیک دیزاین (لوگو، بروشور، ویزیت کارت...)
- سنو (بالا بردن رتبه سایت در صفحه اول گوگل)

+93777690909 info@bartartech.com

+93787935900 www.bartartech.com

کوته سنگی، گولابی دواخانه، کابل افغانستان

نوی عدالت

Electric co.

پرچون

عمده

عرضه کننده هر نوع سامان آلات برقی، کیبل جات ایرانی و ترکی
گروپ های کم مصرف LED گروپ های چارچی و بخاری های برقی
با قیمت های مناسب در خدمت همشهریان عزیز قرار دارد



آدرس اول: کابل، کوته سنگی شروع پل هوایی جوار هتل آریانا کابل - مرکز تجاری نظیف
آدرس دوم: کابل، کوته سنگی جوار کوچه حلبی سازی - مارکیت چهاردهی وال
شماره های تماس: 0781776989 - 0744019820 - 0730784449

فروشگاه عسل تاج

صحت و نشاط



پروفایل فروشگاه: www.baba.af/taj

تماس: ۰۷۴۴۳۸۱۳۷۰ / ۰۷۷۹۰۴۹۶۳۰

آدرس: کابل، کارته ۳، پل سرخ، جوار دروازه رضایی ستر

روایتی از یک جنایت؛

روزهای دوشنبه در دادستانی کل



عبدالقهار فرخ‌سیر
رئیس اطلاعات و ارتباط عامه
دادستانی کل

سپس دادستان کل دوباره به صحبت‌های خود چنین ادامه می‌دهد: «بلی دقیقاً، باید یک تیم از مرکز اعزام شود و کاملاً محرم که اعضای این باند، آثار، اسناد و مدارک جرمی که نزد شان است را از بین نبرند و یا فرار نکنند. در ضمن رئیس کنترل و مراقبت لوی سارنوالی در ترکیب این تیم به بغلان می‌رود و هم‌چنان معلومات و جزئیات افراد و مکان‌ها را همراه شما شریک می‌کند تا طبق یک پلان دقیق و منظم این دست‌گیری انجام شود.» آقای حمیدی از هم‌کاری وزیر امور داخله سپاس‌گزاری و خداحافظی می‌کند.

من نیز از دفتر دادستان کل برای صرف نان چاشت بیرون می‌شوم. پس از صرف نان چاشت و ادای نماز پیشین، همه دوباره به دفتر دادستان کل جمع می‌شویم و دیدارها و رسیده‌گی به عریضه‌ها و شکایات مردم از سر گرفته می‌شود.

فردای آن‌روز، موضوع را پی‌گیری می‌کنم تا ببینم که جریان رسیده‌گی به شکایت متضررین قضیه و مجازات این جنایت‌کاران، سرانجام به کجا می‌رسد. به ریاست مربوط که مسوول تعقیب و پی‌گیری این قضیه تعیین شده است، سر می‌زنم. نخستین خبری که می‌شنوم این است: «امروز یک پلان مشترک منظم و دقیق با افسران وزارت داخله و نیروهای امنیتی تهیه شده و قرار است به‌زودی یک تیم از نیروهای ویژه به محل اعزام و عملیات دست‌گیری انجام شود.»

روز بعد وقتی نزدیک دفتر شدم، تماسی دریافت کردم. وقتی پاسخ دادم، رئیس بخشی که مسوول تحقیق قضیه بود، پس از سلام و صبح بخیری، از من خواست که یک‌بار به دفترش بروم. وقتی وارد دفترش شدم، با خوشحالی که نشان از یک موفقیت است، گفت که امشب تیم مشترک از نیروهای خاص



کابل آمده‌اند تا از باج‌گیری و تهدید یک باند مافیایی به دادستانی کل شکایت کنند.

دادستان کل، هر سه جوان را مخاطب قرار می‌دهد و می‌گوید: «اولاً آفرین به شجاعت تان؛ با آن که خودتان از این قضیه متضرر شدید، آمدید و در حقیقت در برابر یک جنایت و ظلم ایستاده‌گی کردید و همین که اراده کردید تا دیگران از سوی این جنایت‌کاران مورد ظلم و تجاوز قرار نگیرند، قابل ستایش است. دوم این که من و هم‌کاران ما و در کل لوی سارنوالی به گونه کامل در حمایت از شما، مثل دیگر متضررین قضایا، قرار دارند. برخورد و اجراءات ما در برابر مجرمان و جنایت‌کاران قاطعانه و جدی است. شما و خانواده‌های تان تشویب و نگرانی نداشته باشید. این‌جا رئیس کنترل و مراقبت و رئیس دیگر ما هستند، مثل برادران کلان تان بالای‌شان اعتماد کنید. در دفتر دیگر بروید، وقت نان چاشت است. اول نان بخورید، بعد به این‌ها در مورد نام کسانی که این اعمال را انجام دادند و دیگر اعضای این باند، آدرس خانه‌ها و محل بودوباش‌شان مفصل معلومات بدهید. اگر در کابل احساس ناآرامی و ناآمنی می‌کنید، هم‌کاران ما برای تان مکان امن آماده می‌کنند. تا چند روز مهمان ما هستید و مطمئن باشید که بخیر تا یک یا دو روز، همه اعضای این باند دست‌گیر و به کابل انتقال داده می‌شوند.» هر سه جوان همراه با دو تن از رییسان، از دفتر آقای حمیدی به دفتر دیگر در منزل دوم، برای صرف نان چاشت و ارایه معلومات از مشخصات و محل بودوباش اعضای باند در آن ولایت، می‌روند.

پس از بیرون شدن آن‌ها، آقای حمیدی پشت میز خود می‌نشیند و بعد از چند لحظه فکر و سکوت، دست‌یار خود را هدایت می‌دهد که به وزیر امور داخله زنگ بزند تا خودش همراه وزیر صحبت کند. دست‌یار، به آقای مسعود اندرابی زنگ می‌زند. تماس برقرار می‌شود. دست‌یار آقای حمیدی پس از سلام و احترام به جانب مقابل می‌گوید: «جناب لوی سارنوال صاحب همراه وزیر صاحب می‌خواهد صحبت کند.»

تلفن آقای وزیر نزد یاورش بود. پس از چند ثانیه‌ای، آقای اندرابی روی خط تماس آمد و آقای حمیدی پس از سلام و احوال‌پرسی و صحبت روی چگونه‌گی مصروفیت‌ها و مسایل امنیتی، گفت: «وزیر صاحب امروز دوشنبه است؛ روز ملاقات مستقیم ما با مردم. امروز چند تن از متضررین یک قضیه خیلی غم‌انگیز که گفته می‌شود عاملان آن اعضای یک باند جنایت‌کار و زورگو در یکی از ولایات است، این‌جا عریضه داشتند و خواهان رسیده‌گی به قضیه‌شان شدند. تقاضای ما از شما این است که یک قطعه خاصی از نیروهای امنیتی مان طی یک عملیات بسیار دقیق و محرم، آماده و اعزام شوند تا این باند دست‌گیر و با منابع و تجهیزات، اسناد و سوابق جرمی‌شان به مرکز انتقال داده شود.»

پس از آن، آقای حمیدی برای چند دقیقه‌ای به سخنان جانب مقابل (آقای اندرابی) گوش می‌دهد.

جنایت را انجام بدهیم. ما مجبور شدیم، این جریان را به خانواده‌های مان بگوییم. خانواده‌های ما توان مقابله با این زورمندان را نداشتند و از طرف دیگر به مقام ولایت هم عریضه و شکایت نکردیم، چون می‌فهمیدیم که آن‌ها را دست‌گیر کرده نمی‌تواند و شرایط برای زنده‌گی ما سخت‌تر می‌شد. آن‌ها از ما باج‌گیری می‌کردند، تا حدی که ما مجبور بودیم خانه و زمین خود را فرو کنیم، بفروشیم و پولش را به آن‌ها بدهیم. همیشه به خانه و محل زنده‌گی ما می‌آمدند و ما را تهدید می‌کردند. هم‌چنان آنان می‌خواستند از یکی از بچه‌های دیگر که از وطن‌داران ما است و چندی قبل عین کار را همراه او نیز کرده بودند، استفاده کنند. آن پسر همراه‌شان درگیر شد که با فیر چندین مرمی زخمی‌اش کردند که فعلاً در یکی از شفاخانه‌های کابل، در حالت وخیم قرار دارد و بستری است. با این‌که گفتن این جنایت از زبان ما، برای ما زیاد سخت و دردآور است، اما مجبور هستیم که به خاطر حفاظت جان خود و همین قسم به خاطر جلوگیری از تکرار این جنایت بالای دخترها و بچه‌های دیگر خانواده‌ها، اقرار کنیم. وقتی کابل آمدیم، احوال گرفتیم که شما روزهای دوشنبه مستقیم همراه مردم ملاقات می‌کنید. ما هم امید به خدا و به شما کرده، پیش شما آمدیم تا به فریاد ما برسید و این جنایت‌کاران را به سزای اعمال‌شان برسانید.»

با شنیدن هر واژه این ماجرا، صدای شکستن غرور این سه جوان را می‌شد، شنید. سکوت سنگینی در دفتر حاکم می‌شود. نگاه‌ها همه به سوی یک‌دیگر می‌خکوب می‌شود. مثل ده‌ها جنایت‌دیگر که در روزهای دوشنبه از زبان متضررین شنیده می‌شود، همه از این جنایت‌اندوه‌گین و حیرت‌زده بودند.

آقای حمیدی دست‌هایش را همانند ستونی به زیر زنج خود می‌گیرد و در فکر عمیقی فرو می‌رود. از چشم‌هایش آثار حسرت توأم با خشم بر می‌شود خواند. برای آن‌که احساسات و خشم بر تصمیم‌گیری‌هایش اثری نداشته باشد، مثل همیشه، تصمیم فوری نمی‌گیرد.

پس از چند لحظه سکوت، دادستان کل رو به رییسان و هم‌کاران حاضر در دفتر می‌کند و می‌گوید: «برای چند دقیقه ما را همراه این جوانان تنها بگذارید تا بیش‌تر با هم صحبت کنیم.» به جز دو تن از رییسان که مسوول پی‌گیری قضیه هستند، همه از دفتر بیرون می‌روند. از من نیز خواسته می‌شود که آن‌جا بمانم.

پس از رفتن هم‌کاران، آقای حمیدی از چوکی پشت میزش بر می‌خیزد و از هر سه جوان نیز دعوت می‌کند که بیایید و در نزدیکی او روی چوکی‌ها بنشینند تا با هم جای بنوشند و روی جزئیات بیش‌تر در رابطه به این واقعه، صحبت کنند.

آقای حمیدی از دو جوان دیگر نیز می‌خواهد که جریان واقعه‌شان را بگویند. هر یک، جریان را به گونه مفصل بازگو می‌کنند و توضیح می‌دهند که چگونه بر آنان ظلم و تجاوز شده است و در نهایت به

در یکی از روزهای دوشنبه، مثل همیشه با جمعی از رییسان دیگر در دفتر کاری آقای محمد فرید حمیدی، دادستان کل کشور هستیم تا به شکایات‌ها و عریضه‌های شهروندان رسیده‌گی شود.

طبق روال همیشه‌گی، نوبت اول برای زنان در نظر گرفته شده است و رسیده‌گی به مشکلات و عریضه‌های آنان تا ساعت ۱۰ پیش از چاشت ادامه می‌یابد. پس از آن، نوبت به مردان می‌رسد. آنان یکی پس از دیگری وارد دفتر می‌شوند، مشکلات‌شان را بیان می‌کنند و احکام و هدایات لازم برای رسیده‌گی به این شکایات و قضایا صادر می‌شود.

ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه، سه جوانی که عمر‌شان بین ۱۹ تا ۲۴ سال است، وارد دفتر می‌شوند: جوانانی با قد بلند، چهره گندمی و آفتاب‌زده، لباس‌های



دادستان کل، هر سه جوان را

مخاطب قرار می‌دهد و می‌گوید:

«اولاً آفرین به شجاعت تان؛ با

آن‌که خودتان از این قضیه متضرر

شدید، آمدید و در حقیقت در

برابر یک جنایت و ظلم ایستاده‌گی

کردید و همین که اراده کردید تا

دیگران از سوی این جنایت‌کاران

مورد ظلم و تجاوز قرار نگیرند،

قابل ستایش است. دوم این‌که

من و هم‌کاران ما و در کل لوی

سارنوالی به گونه کامل در حمایت

از شما، مثل دیگر متضررین قضایا،

قرار دارند. برخورد و اجرآت ما

در برابر مجرمان و جنایت‌کاران

قاطعانه و جدی است. شما و

خانواده‌های تان تشویب و نگرانی

نداشته باشید. این‌جا رییس

کنترل و مراقبت و رییس دیگر

ما هستند، مثل برادران کلان تان

بالی‌شان اعتماد کنید. در دفتر

دیگر بروید، وقت نان چاشت

است.

نیمه‌منظم و موهای آراسته و شانزده. هنگام ورود و پیش از نشستن، با چشم‌های حیران و نگاه‌های سرگردان، تمامی اشخاصی را که در دفتر حضور داشتند از نظر گذراندند؛ گویا دنبال تکیه‌گاه و حامی بودند که به آن پناه ببرند.

یک تن از آن‌ها به چوکی مقابل آقای حمیدی می‌نشیند و دو تن دیگر در چوکی‌های دیگر. دادستان کل جوانی را که روبه‌رویش می‌نشیند، مخاطب قرار می‌دهد و می‌گوید: «خوش آمدید، بفرمایید، مشکل تان چیست؟»

مرد جوان، خود و دوستانش را معرفی می‌کند و سپس ماجرای‌شان را این‌گونه شرح می‌دهد: «سارنوال صاحب ما سه نفر از یک ولایت هستیم و مدت دو هفته می‌شود که از ولایت خود فرار کرده‌ایم و این‌جا در کابل، در خانه خویشاوندان خود پناه آورده‌ایم. در ولایت ما یک باند مافیا فعالیت دارد که چندین سال است باعث آزار و اذیت مردم می‌شود. دختر و بچه‌های مردم را مورد آزار، اذیت و تجاوز قرار می‌دهد و در قضایای دزدی و قتل نیز دست دارد.»

سپس با بغضی در گلو و چشم‌هایی که اشک در آن‌ها حلقه زده است، این‌گونه ادامه می‌دهد: «نزدیک به یک ماه پیش، اعضای این باند بالای ما، در همین سن و سال، طور جدا جدا تجاوز کردند و با زور و تهدید و لت‌وکوب از جریان تجاوزشان فلم گرفتند. با این ویدیوها همیشه ما را تهدید می‌کردند که اگر کارهایی را که برای تان می‌گوییم انجام ندهید، فلما را به خانواده‌های تان روان و در فیس‌بوک نشر می‌کنیم. آن‌ها از ما می‌خواستند تا در ولایت خود مان، در مسیر شاهراه‌ها و از خانه‌های مردم دزدی کنیم؛ اختطاف، قتل و دیگر جرم و



تلفن آقای وزیر نزد یاورش بود.

پس از چند ثانیه‌ای، آقای اندرابی

روی خط تماس آمد و آقای حمیدی

پس از سلام و احوال‌پرسی و

صحبت روی چگونه‌گی مصروفیت‌ها

و مسایل امنیتی، گفت: «وزیر

صاحب امروز دوشنبه است؛

روز ملاقات مستقیم ما با مردم.

امروز چند تن از متضررین یک

قضیه خیلی غم‌انگیز که گفته

می‌شود عاملان آن اعضای یک

باند جنایت‌کار و زورگو در یکی

از ولایات است، این‌جا عریضه

داشتند و خواهان رسیده‌گی به

قضیه‌شان شدند.

وزارت امور داخله و هم‌کاران مان به ولایت رفته و ساعت یک شب و در یک عملیات برق‌آسا، پنج تن از اعضای اصلی باند و عاملان تجاوز را با تسلیحات و سایر تجهیزات دست‌گیر و به کابل انتقال داده است. او توضیح داد که امروز تحقیقات از آن‌ها آغاز شده است. هم‌چنان برای هر سه تن از متضررین، در یکی از مکان‌های امن شهر کابل مکانی برای زنده‌گی آماده شده است تا از تهدیدات در امان باشند.

پس از چند مدتی دوباره به ریاست تحقیق جرایم می‌روم تا نتیجه تحقیقات را بیش‌تر بدانم. رییس بخش که جوان با دانش، با اخلاق و خوش‌برخورد است، با نشان دادن سندهایی می‌گوید که خوشبختانه دادستان موظف، تحقیقات خود را به طور دقیق و همه‌جانبه بر اساس قوانین، اسناد و شواهد تکمیل کرده و دوسیه به محکمه راجع شده است. محکمه ابتدایی پنج تن از متهمان و عاملان قضیه را به ۵ الی ۱۱ سال حبس محکوم کرده است. طبق قانون، دادستان‌های ما به این حکم محکمه ابتدایی قناعت نکرده‌اند و این مجازات را با توجه به جنایت انجام شده و تکرار جرم از سوی آن‌ها کافی نمی‌دانند و دوسیه با اعتراضیه و قرار استیناف‌خواهی، برای مجازات بیش‌تر این جنایت‌کاران به هدف اصلاح و عبرت سایر جنایت‌کاران به محکمه استیناف ارسال شده است.

جنگ و ناامنی‌های اخیر در ولایت بدخشان، صدها خانواده را به شهر فیض‌آباد و ولسوالی‌های اشکاشم، بهارک و کشم آواره کرده است. در حال حاضر بیش از شش هزار خانواده از خانه‌هایشان در این ولایت بی‌جا شده‌اند و با مشکلات فراوان دست و پنجه نرم می‌کنند. این بی‌جا شده‌گان می‌گویند که در خانه‌های کرایه‌ای با وضعیت مشقت‌باری زنده‌گی می‌کنند و حتی اتاق‌هایشان درب و پنجره ندارد. شورای ولایتی بدخشان و باشندگان مرکزی شهر فیض‌آباد می‌گویند که این خانواده‌ها از مدتی به این سو در وضعیت بد اقتصادی به سر می‌برند و تاکنون به آنان از سوی حکومت محلی و نهادهای کمک‌کننده رسیده‌گی نشده است. برخی دیگر از نهادها نیز تأیید می‌کنند که این بی‌جا شده‌گان در زمستان سال روان کمکی دریافت نکرده‌اند. گفتنی است که بدخشان از ولایت سردسیر شمرده می‌شود و باشندگان آن همواره زمستان سردی را پشت سر می‌گذارند.

هم‌زمان با ورود فصل زمستان، بیم سختی‌های سرما بی‌جا شده‌گان داخلی در بدخشان را نگران کرده است. بصیره، باشندده روستای اسکان ولسوالی جرم ولایت بدخشان، به روزنامه ۸صبح گفت که دو سال می‌شود خانواده‌اش کمک به دست نیاورده‌اند. او افزود، مواد غذایی و مواد سوخت برای فصل سرما ندارند و با مشکلات زیاد دچار اند. به گفته بصیره، شوهرش در ولسوالی زیباک بدخشان مرزبان است و او در حال حاضر در شهر فیض‌آباد با پدرش زنده‌گی می‌کند. آن‌ها در حالی با دو خانواده دیگر به گونه مشترک در یک حویلی زنده‌گی می‌کنند که حتی اتاق‌هایشان درب و پنجره ندارد. او گفت: «به جز معاش شوهرم، دیگر هیچ عایدی نداریم. از حکومت و موسسات خیریه می‌خواهم که در این زمستان سرد ما را کمک کنند.»

به گفته او، مبلغ شش هزار افغانی از طرف یک موسسه برای شماری از بی‌جا شده‌گان به شمول وی کمک صورت گرفت، اما به نظر می‌رسد که این کمک برای خانواده‌های بی‌جا شده در فصل سرما کافی نیست. به گفته بصیره، مشکلات آنان در ولسوالی جرم کم‌تر بود، اما وقتی به شهر فیض‌آباد آمدند، اقتصادشان ورشکسته‌تر شد. او با توجه به وضعیتی که دارد، هم اکنون نمی‌تواند مواد غذایی و مواد سوخت خریداری



سرما زنده‌گی صدها بی‌جا شده در بدخشان را تهدید می‌کند

هم‌زمان با ورود فصل زمستان، بیم سختی‌های سرما بی‌جا شده‌گان داخلی در بدخشان را نگران کرده است. بصیره، باشندده روستای اسکان ولسوالی جرم ولایت بدخشان، به روزنامه ۸صبح گفت که دو سال می‌شود خانواده‌اش کمک به دست نیاورده‌اند. او افزود، مواد غذایی و مواد سوخت برای فصل سرما ندارند و با مشکلات زیاد دچار اند. به گفته بصیره، شوهرش در ولسوالی زیباک بدخشان مرزبان است و او در حال حاضر در شهر فیض‌آباد با پدرش زنده‌گی می‌کند.

جنگ‌جویان طالب، مردم ولسوالی‌های جرم، یمگان، راغستان، درایم، وردوج، دروازاها و ارغنج‌خواه مناطق‌شان را به دلیل ناامنی و حملات طالبان ترک کردند و به سایر ولسوالی‌ها بی‌جا شدند. وی هشدار داد که اگر به نیازمندان کمک نشود، امکان دارد شماری از این بی‌جا شده‌گان در زمستان سرد جان‌شان را از دست دهند.

ناجی نظری، عضو شورای ولایتی بدخشان، گفت که هم اکنون بیش از شش هزار بی‌جا شده در فیض‌آباد و ولسوالی‌های بهارک، اشکاشم، نسی و کشم زنده‌گی می‌کنند. آقای نظری افزود که این خانواده‌ها با وجود سرد شدن هوا، هنوز هیچ کمکی دریافت نکرده‌اند. به گفته وی، پیش از زمستان به دو درصد از بی‌جا شده‌گان در مرکز فیض‌آباد و ۱۴۰ نفر در ولسوالی جرم کمک شد، اما این کمک‌ها کافی نیست. او افزود که نهادهای خیریه و ریاست

کند و مجبور است سختی‌های زمستان را با ناچاری پشت سر بگذارد. وفا، نماینده بی‌جا شده‌گان «شیوه» ولسوالی ارغنج‌خواه، گفت که بی‌جا شده‌گان بدخشان در وضعیت بد اقتصادی به سر می‌برند و اگر کمک‌های غذایی، غیرغذایی و مواد سوخت در زمستان سرد به آنان نشود، با مشکلات زیاد مواجه می‌شوند.

سیف‌الدین سائیس، رییس جامعه مدنی بدخشان، به روزنامه ۸صبح گفت که بی‌جا شده‌گان به کمک عاجل نیاز دارند و باید حکومت و موسسات خیریه به آن‌ها کمک کنند. به گفته او، هرچند کمک‌هایی از طرف موسسات خیریه به بی‌جا شده‌گان صورت گرفته، اما هنوز این کمک‌ها به دست خانواده‌های نیازمند نرسیده است. به گفته آقای سائیس، حتی اگر این کمک‌ها توزیع شده، مقدار آن اندک بوده است. او افزود که در سال جاری به دلیل حملات تهاجمی

مهاجرین باید به وضعیت بی‌جا شده‌گان در اسرع وقت رسیدگی کنند.

عبدالواحد طیبی، رییس مهاجرین و عودت‌کننده‌گان بدخشان، اما می‌گوید که به شماری از بی‌جا شده‌گان مبلغ ۲۰۰ دالر امریکایی پول نقد از طرف موسسات خیریه کمک شده است. با این حال، او تأیید کرد که در زمستان سال روان هنوز کمکی به این بی‌جا شده‌گان صورت نگرفته است. به گفته آقای طیبی، در ولایت بدخشان بیش‌تر از شش هزار و ۵۰۰ بی‌جا شده داخلی هستند که در شهر فیض‌آباد و ولسوالی‌های اشکاشم، بهارک و کشم مستقر شده‌اند. گفتنی است که در جریان جنگ‌های سال جاری، شمار این بی‌جا شده‌گان حدود دو هزار تن افزایش یافته است.

خشونت؛ رنج اصلی زنان افغانستان

هدیه شکیب

یا ساختار جامعه، نقش اساسی را ایفا می‌دارد؛ زیرا رابطه نزدیک با فرهنگ، قوانین و هنجارهای معمول و پذیرفته‌شده‌ای جامعه دارد. جامعه افغانستان به سبب مردسالاری، قدرت بیش‌تر به مردها داده است. گزینه‌های چون مجبورنمودن زن به فحشا، ممانعت از حق تعلیم و تحصیل، ممانعت از کار و عدم دسترسی به خدمات صحتی از جمله خشونت‌های اجتماعی است.

خشونت اقتصادی: تنگ‌دستی و عدم دسترسی به منابع مالی مهم‌ترین گزینه خشونت اقتصادی علیه زن است. عامل اساسی و بنیادی خشونت اقتصادی، محدودیت‌ها در ساختار اجتماعی و فرهنگی یک جامعه است. مواردی چون منع تصرف در ارث، منع تصرف در اموال شخصی و ممانعت در شغل درآمد زا را می‌توان خشونت اقتصادی گفت.

نتیجه‌گیری

خشونت از مهیب‌ترین ظلمی است که بر زنان جهان، به خصوص زنان کشور ما روا داشته شده است. با وجودی که قانون منع خشونت علیه زن تدوین و تصویب و نهادی به‌نام «وزارت امور زنان» برای پیشبرد دقیق‌تر برنامه‌ها در چوکات ادارات دولتی ایجاد شده است؛ اما به دلیل کندی در روند بررسی دوسیه‌های خشونت علیه زنان در ادارات قضایی و عدم توجه به صادرکردن احکام عادلانه، هنوز هم موضوع خشونت علیه زنان در جامعه ما در حال گسترش است.

زنان افغانستان باید این مسأله را عمیقاً درک کنند که رسیدن به عدالت و برابری، یک راه طولانی و دشوار است. پیمودن این مسیر، بیش از حمایت‌های مادی بیرونی، نیازمند بالابردن ظرفیت زنان است.

لت‌وکوب، آتش‌زدن، استعمال مواد کیمیایی و سایر مواد خطرناک، مجروح و معلول کردن، تجاوز، انواع آزار جنسی و کار اجباری، از جمله خشونت‌های فیزیکی بیان شده است. **خشونت روانی:** استفاده از اعمال، رفتار و گفتاری که سبب متضررشدن زن از لحاظ روحی و روانی شود، به‌نام خشونت روانی و زبانی یاد می‌شود که شرافت، آبرو، غرور و اعتماد به نفس زن را به صورت جدی مورد تعرض قرار می‌دهد و آن‌را متأثر می‌سازد. معمول‌ترین این نوع خشونت، استفاده از الفاظ زشت و رکیک است. در قانون منع خشونت، مواردی چون دشنام، تحقیر و مجبورنمودن به خودسوزی، خودکشی و انزوای اجباری از جمله خشونت روانی بیان شده است.

خشونت فرهنگی: به خشونت گفته می‌شود که مینا، اصل و یا ریشه آن از فرهنگ، رسم و رواج‌ها سرچشمه گرفته باشد که معمولاً ساختار فرهنگی و عرف جامعه افغانستان، زن را قربانی می‌کند. چون فرهنگ افغانستان قدرت گسترده را به مردها اعطا کرده، این خودش سبب شده است که مردها خودشان را رییس خانواده تلقی و در حوزه خصوصی خانواده از اعمال خشونت‌آمیز علیه زن استفاده کنند. استقرار فرهنگ پدرسالارانه در جامعه افغانستان یکی از عوامل اساسی خشونت علیه زن می‌باشد. خرید و فروش به منظور یا بهانه ازدواج، نکاح اجباری، ممانعت از حق ازدواج و انتخاب زوج و نکاح قبل از سن قانونی از موارد خشونت‌آمیز فرهنگی به حساب می‌آید.

خشونت اجتماعی: در این نوع خشونت، نوعیت

زنان کشورهای متمدن و پیش‌رفته نیز گاهی مورد خشونت و تبعیض قرار می‌گیرند. سال‌های متمادی است که زنان جهان، سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای جهان با خشونت علیه زن مبارزه می‌کنند و برای نابودی آن می‌کوشند. زنان افغان نیز سال‌ها است که با خشونت مواجه‌اند. شاید بتوان گفت که زنان افغانستان بیش‌تر از زنان دیگر جهان، خشونت‌های گوناگون را تحمل کرده‌اند. چون تنوع روش‌های حکومتی و جنگ‌های داخلی پی در پی، سبب افزایش خشونت و تبعیض علیه زنان افغان شده است. زنان افغان حدود نیم‌دهه کامل در زمان حاکمیت طالبان در تبعیض و خشونت به سر بردند. بعد از سقوط رژیم طالبان و آغاز عصر جدید و تصویب قانون اساسی، حکومت افغانستان برنامه‌های گوناگون را برای مبارزه با خشونت و تبعیض علیه زنان روی دست گرفت که یکی از آن برنامه‌ها، تصویب قانون منع خشونت علیه زن به تاریخ ۱۵ سرطان ۱۳۸۸ در چهار فصل و ۴۴ ماده از سوی حکومت است. مطابق این قانون می‌توان خشونت علیه زن را به صورت مختصر به انواع ذیل دسته‌بندی کرد:

خشونت فیزیکی: خشونت فیزیکی، شایع‌ترین نوع خشونت علیه زن به شمار می‌رود که در این نوع خشونت، زن به صورت جسمی متضرر می‌شود. این نوع خشونت به هرگونه رفتار غیراجتماعی اطلاق می‌گردد که ممکن از بدن زن آغاز شود و گاهی تا مرحله آزار و اذیت جسمی زن پیش رود. در قانون منع خشونت، مواردی چون

مقدمه

کلمه زن در تاریخ افغانستان با درد و رنج بی‌پایان گره خورده و سرنوشت بسیاری از زنان این سرزمین با گلوله به پایان رسیده است. متأسفانه حقوق زنان در جامعه ما با بی‌عدالتی تمام پایمال می‌شود. در این سرزمین به جای رعایت حقوق زن، تنها خشونت بر او روا داشته می‌شود. از زمان گسترش نفوس بشر تا حالا که قرن بیست‌ویک است، زنان مجبور به زنده‌گی خلاف میل خویش بوده‌اند. در تمامی تمدن‌ها و امپراتوری‌ها، زنان جهان دشواری‌های زیادی را متحمل شده‌اند. آنان خشونت‌های زیادی را با گوشت، پوست و استخوان‌شان لمس کرده‌اند.

خشونت

اصطلاح خشونت در فرهنگ‌های مختلف دارای معنای یک‌سان است. هر نوع بی‌رحمی، تندخویی، الفاظ و رفتاری که فرد یا گروهی از آن صدمه ببیند را خشونت گفته‌اند.

خشونت علیه زن

هرگونه عمل خشونت‌آمیز بر اساس جنسیت که موجب بروز آسیب‌های جسمی، جنسی، روانی و یا رنج و آزار - از جمله تهدید به انجام عمل خلاف میل، محرومیت‌های اجباری و یا سلب اختیار از آزاده‌گی در زنده‌گی خصوصی و اجتماعی زنان شود، خشونت علیه زن گفته می‌شود. باید ذکر کرد که نه تنها زنان کشورهای جهان سوم، فقیر و عقب‌مانده با خشونت و تبعیض مواجه‌اند، بلکه

شکایت از خدمات مخابراتی ضعیف در بامیان؛

اترا کجا است؟



انیس ظاهری



بگیرند. با این حال، اداره ولایتی تنظیم خدمات مخابراتی در ریاست مخابرات ولایت بامیان (اترا)، از آغاز تلاش‌ها برای حل این مشکل خبر می‌دهد. سیدعبدالغنی علوی، مسوول ولایتی اداره اترا در ولایت بامیان، به روزنامه ۸ صبح گفت که از پنجم قوس (ماه گذشته) به این سو، خدمات شرکت مخابراتی ام‌تی‌ان نه تنها در بامیان، بلکه در شماری از ولایت‌های دیگر نیز با مشکل مواجه شده و کیفیت خدمات پایین آمده است. آقای علوی افزود که اداره اترا در بامیان، در یک ماه گذشته شکایات‌های زیادی از جانب مشترکان شرکت مخابراتی ام‌تی‌ان مبنی به خدمات ضعیف این شبکه دریافت کرده است. به گفته وی، اداره مرکزی اترا نیز از مشکل باخبر شده و در هماهنگی با شرکت ام‌تی‌ان، تلاش دارد تا مشکل برطرف شود.

مسوول ولایتی اداره تنظیم خدمات مخابراتی در بامیان گفت، «تداخلات سیگنالی» باعث شده است که تماس‌های ام‌تی‌ان به درستی برقرار نشود. به گفته وی، از آنجایی که این مشکل خیلی جدی نیست، یک تیم فنی کار را آغاز کرده تا به زودی ارایه خدمات این شرکت به حالت عادی برگردد. آقای علوی تأکید کرد که تمام مناطق مرکزی کشور و شماری از ولایت‌های دیگر نیز با عین مشکل مواجه‌اند. به گفته وی، مشکل فنی‌ای که سبب پایین آمدن کیفیت خدمات شده، از مرکز کشور است.

بامیانی‌ها در حالی از کیفیت پایین خدمات مخابراتی ام‌تی‌ان انتقاد می‌کنند که در ماه ثور سال جاری، شماری از باشندگان ولسوالی لعل‌وسرچنگل ولایت غور نیز در اعتراض به کیفیت پایین خدمات اینترنتی شبکه مخابراتی ام‌تی‌ان، فعالیت این شرکت را برای یک هفته متوقف کرده بودند. اما نه تنها خدمات اینترنتی این شرکت بهبود نیافت، بلکه در این اواخر باشندگان لعل‌وسرچنگل از ضعیف بودن خدمات تماس نیز شکایت دارند.

بر بنیاد معلومات ریاست مخابرات ولایت بامیان، اکثریت باشندگان این ولایت از خدمات شرکت مخابراتی ام‌تی‌ان استفاده می‌کنند و در برخی موارد ظرفیت این شبکه مخابراتی کفایت برقراری تمامی تماس‌ها را نمی‌کند. در حال حاضر، ۲۶ پایه مخابراتی ام‌تی‌ان در هفت ولسوالی و مرکز ولایت بامیان برای ارایه خدمات، فعال‌اند.

دلیل ضعیف شدن خدمات صوتی و اینترنتی این شبکه، خبرنگاران در گرفتن مصاحبه‌های تلفنی و استفاده از اینترنت، با مشکل بزرگی مواجه شده‌اند. مسعود اختیاری، از خبرنگاران محلی بامیان، که رویدادهای ولایت‌های حوزه مرکزی کشور را پوشش می‌دهد، نیز با همین مشکل روبه‌رو است. آقای اختیاری می‌گوید که روزمره باید برای انجام مصاحبه‌های تلفنی با منابع مختلف در ولایت دایکندی تماس بگیرد، اما مشکل خدمات مخابراتی ام‌تی‌ان، تأثیر بسیار منفی روی کار خبرنگاری او گذاشته است. به گفته آقای اختیاری، در اکثر موارد تماس‌ها اصلاً برقرار نمی‌شود و اگر تماس انجام شود، هم به مشکل می‌توان معلومات لازم را از جانب مقابل گرفت.

شرکت مخابراتی ام‌تی‌ان، از نخستین شرکت‌های مخابراتی است که در ولایت بامیان و سایر ولایت‌های حوزه مرکزی کشور فعالیتش را آغاز کرد و به همین دلیل مشترکان این شبکه نسبت به دیگر شبکه‌های مخابراتی بیشتر است. در این میان خبرنگاران و رسانه‌های محلی نیز از خدمات تماس و اینترنت این شبکه استفاده می‌کنند. اما در یک ماه اخیر هم‌زمان با پایین آمدن کیفیت خدمات، شماری از خبرنگاران ناگزیر شده‌اند سراغ شبکه‌های مخابراتی دیگر را

از مشترکان شرکت مخابراتی ام‌تی‌ان در این ولایت نزد این اداره موجود نیست، اما اکثریت باشندگان بامیان از خدمات ام‌تی‌ان استفاده می‌کنند. به باور باشندگان بامیان، شرکت مخابراتی ام‌تی‌ان اکثر بخش‌های این ولایت را تحت پوشش خود دارد و بیش‌ترین سود مشترکان به جیب همین شرکت مخابراتی می‌رود؛ اما در قسمت کیفیت خدمات صوتی و اینترنتی کم‌ترین توجهی هم صورت نمی‌گیرد. مشترکان این شرکت از وزارت مخابرات و اداره اترا می‌خواهند که فعالیت تمامی شبکه‌های مخابراتی به ویژه ام‌تی‌ان را زیر نظارت جدی داشته باشند. آنان همین‌طور از شبکه ام‌تی‌ان می‌خواهند که هرچه زودتر این مشکل را برطرف سازد تا مردم بتوانند از خدمات این شبکه به گونه درست استفاده کنند.

کیفیت پایین تماس‌ها و تأثیر منفی بر کار خبرنگاری

حمیدالله عارفی، مسوول یکی از رسانه‌های محلی در ولایت بامیان، می‌گوید که خدمات تماس شبکه مخابراتی ام‌تی‌ان کار خبرنگاری را برای او و سایر همکارانش دشوارتر کرده است. به گفته آقای عارفی، اکثر مسوولان محلی و باشندگان بامیان از مشترکان شبکه مخابراتی ام‌تی‌ان هستند، اما در این اواخر به

باشندهگان ولایت بامیان با انتقاد از کیفیت پایین خدمات تماس شبکه مخابراتی ام‌تی‌ان، می‌گویند با آن‌که از یک ماه به این سو در ارایه خدمات این شبکه مخابراتی مشکل جدی وجود دارد، اما تاکنون به آن رسیدگی نشده است. به گفته مشترکان این شبکه مخابراتی، تماس‌های تلفنی با سیم‌کارت ام‌تی‌ان بسیار با دشواری برقرار می‌شود و سخنان دو طرف خط تماس، برای یک‌دیگر قابل فهم نیست.

بشیر صداقت، یکی از باشندگان شهر بامیان، می‌گوید از مدتی به این سو از کیفیت پایین تماس‌های ام‌تی‌ان رنج می‌برد و با وجودی که زمان زیادی از ایجاد این مشکل می‌گذرد، شبکه مخابراتی ام‌تی‌ان و اداره اترا برای حل آن اقدام نکرده‌اند. به نقل از این باشندگان بامیان، پس از باربار شماره‌گیری، تماس برقرار می‌شود، اما کیفیت صدا به اندازه‌های پایین است که جز مصرف کراید و تلف شدن وقت، افهام و تفهیم لازم صورت نمی‌گیرد. آقای صداقت در شهر بامیان مشغول فروش کراید کارت شبکه‌های مخابراتی نیز است. می‌گوید با توجه به فروش کراید کارت ام‌تی‌ان، نزدیک به ۹۰ درصد از مشتریاناش را مشترکان شبکه مخابراتی ام‌تی‌ان تشکیل می‌دهند.

اداره اترا در بامیان نیز می‌گوید که هرچند آمار دقیقی

چهار سال گریه برای قاسم

مسعود مسلم

سر مزار پسرش است. با کوهی از درد و اندوهی که در صدایش بود، گفت: «کاش جان ما کهن‌سالان را بگیرد. ما که از دنیا چهار روزی دیدیم، اما این جوانان چرا نامراد می‌شوند. قاسم جان، جان مادر، ایشته نامراد شدی، ایشته رفتی، ایشته خنده‌ها تو را فراموش کنم...»

با شنیدن حرف‌های این مادر کهن‌سال، زبانم خشک شده بود و نمی‌توانستم چیزی بگویم. حالا درک کردم که دلیل گریه و ناله این پیرزن چه بود و چه چیزی سبب شده بود غمی به وسعت کوه در چشمان و چهره‌اش جا خوش کند و رخسارش را پریشان نماید. با خارج شدن از محوطه گورستان زیارت خواجه عبدالله انصاری، از پیرزن خواستم نشانی خانه‌اش را بگویم تا او را برسانم. حدود نیم ساعت مسیر را طی کردیم و گریه‌های مادر داغ‌دار هم‌چنان مانند باران بهاری ادامه داشت.

نزدیک خانه‌اش از من خواست موتر را توقف دهم تا پایین شود. دروازه موتر را باز کرد و در حال خارج شدن از من سپاس‌گزاری کرد. چیزی نمی‌توانستم بگویم. گلویم را بغض بزرگی فرا گرفته بود. با تکان دادن سر، پاسخش را دادم. پیرزن گریه‌کنان به سوی خانه حرکت کرد.

با رفتن او، بغض گلویم شکست و اشک‌هایم بی‌اختیار از چشمانم جاری شد. به این فکر افتادم که چرا طی سال‌های گذشته هزاران جوان مانند قاسم زیر خاک رفتند و هزاران مادر، مثل مادر او به داغ فرزندان‌شان نشستند؟ چرا هنوز این جنگ لعنتی ادامه دارد و از صلح خبری نیست؟

داستان غم‌انگیز قاسم، تنها روایت یک جوان پرپر شده و یک مادر داغ‌دار است، اما مانند او، هزاران جوان دیگر در این سال‌ها قربانی هیولای جنگ شدند و هزاران مادر هم در اندوه فراق فرزندان، کمرهای‌شان خم شد و عمرشان به فنا رفت.

که نمی‌دانستم و نمی‌توانستم چیزی بگویم. با خود گفتم شاید بهتر است اجازه دهم او ناله و گریه کند تا اندکی سبک‌تر شود و اندوه بزرگی که سال‌ها در سینه پنهان دارد را خالی کند.

در میان گریه‌هایم گفت: «قاسم من نامزددار بود، پیش‌کش/طوبانه‌اش سه لک بود و دو لک را برای خسرش داد و قرار شد این بار که از وظیفه می‌آید، مراسم ازدواج خود را برگزار کند، اما برایم جسدش را آوردند، نه یک جسد عادی، پسر من را تکه‌تکه کرده بودند!»

قاسم، از سربازان ارتش ملی، در ولایت فراه وظیفه اجرا می‌کرد و چند ماه پیش از برگزاری مراسم ازدواجش کشته شد. در عوض پوشیدن لباس دامادی، تکه‌های بدنش درون کفن شد و خانواده‌اش به جای شادمانی در مراسم ازدواج، در مراسم سوگواری او حاضر شدند. این مادر داغ‌دار برایم قصه کرد که با گذشت چهار سال از مرگ پسرش، هر روز به آرامگاه او می‌آید و در این مدت از غم فراق پسر جوانش گریه می‌کند، اما تنها چیزی که اندکی سبب آرامش دلش می‌شود، آمدن بر

گریه‌کنان برایم گفت: «قاسم من شانه‌هایم دو متر بود. هر وقت نگاهش می‌کردم، می‌گفتم قربان این تخت شانه‌هایم شوم مادر جان، مادر فدایت شود! قاسم لبخند می‌زد و چیزی نمی‌گفت.» من داغ از دست دادن برادر جوانم را تجربه کرده بودم و می‌دانستم پیرزن چه حس و حالی دارد، اما او مادر بود و درد از دست دادن فرزند جوان را هیچ دارویی مداوا نمی‌کند.

با گویش غلیظ هراتی ناله می‌کرد و می‌گفت: «قاسم مه ایشته/چه جوانی‌ای داشت، ایشته تخت شانه‌ها داشت، ایشته موهای سیاهی داشت، بین تمام بچه‌های قوم و منطقه تک بود. ای مادر، مه این فکر را نمی‌کردم که تو زیر خاک بری با این شانه‌ها و زیبایی‌ها!»

حسرت بزرگی که در دل مادر قاسم بود و داغ دلش را بیشتر می‌کرد، این بود که چرا از پسرش کودکی نمانده تا یادگار و نشانه‌ای از این جوان پرپر شده باشد. غم بزرگی در چشمانش نهفته بود، گویی با زیر خاک رفتن قاسم، تمام زنده‌گی‌اش زیر خاک دفن شده است. از شنیدن ناله‌های این مادر داغ‌دار چنان غمگین شدم



نقاشی با خون؛ قصه گل و گلوله



که فرح و سرور مردمان را هم با همان شهد سخن درآمیخته و به پرویز معرفت بیخته داد می زند که: «ساقیا آمدن عید مبارک بادت!» مثال در این مورد کم نیست، مخلص کلام این که هنرمند نیک و زشت عصر خودش را با معجون زیبایی می آراید و صدای شکوه مند بی صداها می شود.

حرف بعدی این که هنرمند متعهد به زیبایی است، پاس دار زیبایی است و محافظ زیبایی. هنر اگر جانی و مغزی برای نگاه داشت و پاس داشت دارد، همانا زیبایی شناسی است. کشف حسن در گیتی و نمایاندن آن به عام مردم. این جمال و خوب رویی در طبیعت انقباض نمی یابد، دایره انبساطش بی تردید به جامعه هم می رسد. یعنی هنرمند که تعهد به زیبایی دارد، اگر سر بر آورد و دید که سکان داران ارابه قدرت دست به انهدام زیبایی، هر شکلی از زیبایی می برند، می باید خود را در حفاظت از زیبایی تکان بدهد. همین بود که شاملو گفت: «دهانت را می بویند، مبادا گفته باشی: دوستت دارم!» آن کیست که آگاه نباشد که عدالت زیبا است و آزادی زیباترین و هنرمند هم عاشق زیبایی.

نکته سوم این مهم که هنرمند خیال وحشی دارد و این امر ذهن و ضمیر هنرمند را از قیود مرسوم می رهااند

و آزادی در اندیشه، در مقام بیان، آزادی در عمل را نیز اقتضا می کند. هنر نوعی مکاشفه و تجربه گرایی دوام دار در مسیر خلق اثر است. تجربه گرایی هم که حصار نمی شناسد، چون اگر حصار داشت که مقید می شود و هنر در هنرمند چنان مردی که در یک اتاق بی هوای مهیا برای تنفس گیر افتاده است، از نفس می افتد و موهبت خلق را از او می رباید. در شعر پارسی، این واکنش خودش را به گونه دوپهلوشدن معنا در شعر متبلور کرده است. یعنی یک معنا دومی برای هر واژه به کار رفته در شعر که دیوان حافظ باز از این حیث هم سرآمد و انگشت نما است. فلینا هنرمند با هنرمندی خود مقابل توتالیتاریسم و استبداد قد بر می افزارد و بدهکار آتی نیست که می خواهد تحت هر لوایی حق آزادگفتن و آزاداندیشیدن را از او بستانند.

سخن چهارم، جایگاه تاریخی شعر میان ما پارسی زبانان است. البته این یک مورد نسبی و صرف برای ما پارسی زبانان است و بنده هم مدعی جهان شمول بودنش نیستم. ما در پارسی نه فقط که حکایات و مواظ و اساطیر مان را در قالب شعر ریختیم که حتما کلام و فلسفه و تاریخ را به صورت منظوم بیان کرده ایم. زبان پارسی بسیار یک زبانه شاعرانه است، حتما در محاوره های روزانه یک متکلم

و یک مستمع بارها ابیات بزرگان شعر پارسی مورد استناد قرار می گیرد. آن چنان شعر در رگ رگ این فرهنگ و زبان جاری است که بنده خود شاهد بوده ام که پارسی زبانان بی سواد هم این شعر فردوسی را «توانا بود هر که دانا بود»، حفظ اند. چه بسی شعرهایی از سعدی و حافظ و مولوی که در طول تاریخ تبدیل به ضرب المثل شده و در زبان مردم جا افتاده است، یکی همین مصرع حافظ که: «در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست». کما این که تا بخواهید در این مورد مثال است. پارسی زبان از اصل با شعر می اندیشد، تمنا دارم این عبارت استعاری و شاعرانه پنداشته نشود. منظوم این است که اکثریت پارسی زبانان ابزار اندیشه شان را از کسانی می گیرند که کثیری از آن ها شاعر - فیلسوف بوده اند. یعنی با شعر برای گزاره های خویش اقامه ادله کرده اند. ناصر خسرو، حافظ، مولانا و فهرست بلندی که ادامه آن را خود می دانید. این غول های پارسی آن چنان تأثیر و تحولی در زبان پدید آوردند که ماهیت زبان را شاعرانه کردند. به گونه مثال به برگردان های آقای فولادوند نگاه کنید، با آن که او متون فلسفی را به پارسی ترجمه می کند، اما شاعرانه بودن زبان را حتما در همان نبشته های بی روح و خشک هم نمی توان انکار کرد. به آن اعتبار که شعر هنر است و از باریشه ترین هنرها است، در جامعه ما شاعران گران ارج نباید انوری و فارابی صفت سر مدحت گیرند و رسالت گران هنرمندی را از دوش به زیر افکنند. هنرمند اگر هنرمند خوبی باشد، به صورت خودکار مبارز خوبی هم شده است.

کلام آخرین این که هنرمند ریه اجتماع است و جامعه نفس خودش را با مدد هنر و هنرمند می گیرد. سرودهایی که زنان بسیار محترم ولایت های شمال هنگام هجوم طالبان با دف می خوانند، گواه و متضمن همین نکته است. هنر پناهگاهی است برای بشر زیر تگرگ بی وقفه درد و هنرمند سازنده این پناهگاه. این هنر است که هنرمند را به سوی عصیان و آزادی طلبی می راند. هر نقاشی که حقیقت جنگ را صورت گری می کند می داند که آن چه در دست او است رنگ نه، بلکه همان خونی است که واقعا ریخته است و او حالا آن نقش را نقاش است. می داند که در حال نقاشی با خون است.

هیتلر می خواست نقاش بشود. مانو شاعر بود. بتهوون بزرگ سمفونی ارویکا را به ناپلئون هدیه کرد و شاه شجاع، شاه سابق افغانستان هم شعر می گفت. هنر و سیاست اگر جایی هم واصل شده، به تعبیر ا. بامداد روی نعل هم دیگر بوده است. هنر را آبروی تمدن بشر می انگارند و سیاست را آبروریز. یکی بومش را برای کشیدن نقشی از گل سرخ، سرخ می کند و دیگری هر قدر اوراق تاریخ است را با پاشیدن بی امان خون هم نوع خویش، سرخ کرده است و خواهد کرد. یکی واژه گان را آن سان در پی هم می چپند که حتما عالم خیال و اقلیم هشتم را زیبایی می بخشد، دیگری چنان آبادی ها را مبدل به آوارها می کند که حتما زیبایی واقعیت را می ستاند. حکایت هنر و سیاست؛ قصه گل و گلوله است. یکی لورکا به تاریخ هدیه کرده و دیگری استالین. انکار رزم آوران و رادمردان جان بر کف راه عدالت و آزادی هم بس ناجوان مردی است. اما این آفتاب وار شیوا است که در میزان تاریخ تمدن بشر کفه خون خواران وزین تر از کفه خون خواهان بوده است؛ سیاست را بی دلیل میدان گاه خدعه و ریو نمی دانند. اما آیا می توان یک نسبت با معنا و مدلل و یا رسنی استوار و ناگسیختنی میان سیاست و هنر نشان داد؟ آیا هنرمند از جهت هنرمند بودن خویشتن، تکلیفی فراروی قدرت سیاسی دارد؟ من که معتقدم پاسخ هر دو پرسش فوق با دلایل آتی «بله» است.

اول این که هنرمند می باید بیان گر حرف مردم در نهایت زیبایی باشد. بیان هنرمندانه احوالات اجتماعی، یک قسمت لاینفک از هر اثر جدی هنری است. بدیهی است که یک هنرمند نمی تواند در فضای میان سیاره های و روی هوا یک اثر را خلق کند. هر اثر جدی هنری با زمانه و احوال جمعی جامعه خویش در ارتباط است؛ مگر غیر از این است که غزل عاشقانه حافظ به ما می گوید: «حدیث عشق ز حافظ شنو نه از واعظ - اگر چه صنعت بسیار در عبارت کرد». این گونه است که خواجه رندان دردی که دل های دردمند دوران را دور و برش از واعظ و مفتی و محتسب دارند را در کمال فصاحت و بلند قله زیبایی فریاد می کشد. چنانی

بازیکن دهه؛

ستاره های که راه طولانی را یک شبه پیمود



۸صبح، کابل: راشدخان، توپ انداز تیم ملی کرکت افغانستان، از سوی شورای جهانی کرکت به عنوان بهترین بازیکن بازی های ۲۰ آورده یک دهه اخیر شناخته شد. او که بازی های ملی را در نیمه های دهه اخیر آغاز کرد، توانست خیلی زود رکوردها را جابه جا کند و جهان کرکت را به تحسین خودش وادارد. راشد با آن که در ترکیب تیم ملی افغانستان خیلی کم به میدان های جهانی پا گذاشته، اما توانسته است استعدادش را در بازی های باشگاهی کرکت به رخ همه گان بکشد. ثبت ۴۰۰ ویکت در حدود ۳۰۰ دیدار و گرفتن مسوولیت های خطیر در برخی از رقابت ها، کافی بود که کارشناسان در انتخاب او به عنوان بهترین بازیکن درنگ نکنند.

سچن تندوکر، اسطوره کرکت هند، باری گفت: «من همیشه حس می کردم که راشدخان اسپینر خوبی است، اما اکنون شک ندارم که او بهترین اسپینر جهان در این چارچوب است. به خاطر داشته باشید که او هم چنان مهارت بالای در توپ زنی دارد؛ یک پسر فوق العاده!» راشد تنها پنج سال پس از آغاز کرکت، خیلی زود راه ده ساله را یک شبه پیمود و بهترین شد. هر چند بگویم در مورد سن او مطرح است، اما آن چه جهانیان نمی توانند انکار کنند، استعداد و درخشش راشد است؛ بازیکنی که هر چند زمینه بازی در تیم ملی برایش کم تر مساعد شده، اما در دیدارهای باشگاهی همیشه ستاره است و خوشی می درخشد؛ چیزی شبیه مسی در فوتبال.

او حالا ۲۲ سال دارد و در هر لیگی که پیش باز شده، رکوردهایی را جابه جا کرده است؛ از لیگ برتر کرکت

هند تا استرالیا و دیگر کشورها. راشدخان همین حالا در استرالیا است و برای تیم آدلاید استرایکرز می درخشد. در آخرین دیداری که او داشت، ۲۹ دوش انجام داد و دو بازیکن حریف را از میدان خارج کرد. این عمل کردش کافی بود که بهترین بازیکن میدان لقب بگیرد و بر آخرین تصمیم شورای جهانی کرکت صحنه بگذارد.

راشدخان در پنج سال از زنده گی ورزشی اش، ده ها رکورد جابه جا کرد و به اولین بازیکن جوانی بدل شد که به ۳۰۰ ویکت در بازی های ۲۰ آورده رسیده است. افزون بر این، او بارها درخشش داشت و یک بار موفق شد پنج بازیکن حریف را تنها در دو آور از میدان خارج کند. راشد هم چنان در یک دیدار تنها ۱۸ دوش به حریف

او یک ستاره تمام عیار است. سرانجام این تلاش ها طعم خوشی داشت و شورای جهانی کرکت روز یکشنبه، هفتم جدی، اعلام کرد که راشدخان بخشی از ترکیب بازی های ۲۰ آورده یک دهه در کرکت اخیر جهان است. هر چند حضور او قوت قلبی برای افغان ها بود و این خبر یک روز پس از آن، به مراتب شیرین تر شد؛ زمانی که شورای جهانی کرکت او را بهترین بازیکن بازی های ۲۰ آورده در یک دهه اخیر اعلام کرد.

راشدخان در گفت و گویش با شورای جهانی کرکت، گفت که افتخار ارزش مندی را کسب کرده است و این افتخار وقتی ارزش مندتر می شود که نصیب فردی از افغانستان شود. او در سهم خود از هواداران و هم وطنانش سپاس گذاری کرد.

کسب لقب بهترین بازیکن ۲۰ آورده در یک دهه اخیر از سوی راشدخان، با گرمی از سوی مقام ها و مردم استقبال شد. محمداشرف غنی، رئیس جمهور، کسب این جایزه را جای افتخار و مسرت خواند و گفت که راشدخان و جوانان نظیر وی، تصویر واضحی از افغانستان «آزاد و مترقی» هستند.

عبدالله عبدالله، رئیس شورای عالی مصالحه ملی، نیز راشدخان را «الگوی جهانی» و «تصویر واضح از افغانستان نوین» خواند. افزون بر مقام ها، بیش تر شهروندان کشور با نشر تصاویر از راشدخان، کسب این جایزه را افتخاری برای او و کشور خواندند.

راشدخان حالا راه طولانی را یک شبه پیموده است؛ بازیکنی که در رقابت با کریس گیل از ویست اندیز، ویرات کوهلی و رویت شرما از هند، این فینچ از استرالیا، لاسیت ملینگا از سریلانکا و عمران طاهر از آفریقای جنوبی پیروز شد و جایزه معتبری را کسب کرد. باید دید که دیگر چه از دستش می آید، در میدان ها چگونه می رقصد و چه رکوردهایی را جابه جا می کند.

دبیر بخش ویدیو:
خبرنگاران:



صاحب امتیاز:
مدیرمسول:
سر دبیر:
دبیر گزارش ها:
دبیر بخش خبر:
دبیر بخش صلح:
دبیر رسانه های اجتماعی: نورعلی فرحت

سنجر سهیل
موجب مهرداد
خلیل اسیر
حسیب بهش
علی شاه حقمیل
آسیه حمزه ای

sanjarsohail@yahoo.com
mujib_mehrdad@yahoo.com
8am.daily@gmail.com

Publisher:
Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com

Editor-in-Chief:
Mujib Mehrdad
mujib_mehrdad@yahoo.com

Facebook.com/8am.af
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

خبرنگاری که شیوع کرونا در ووهان را گزارش داده بود، به چهار سال زندان محکوم شد

گفت: «وقتی حکم اعلام شد، موکلش به هم ریخت.»
رن افزود که مادرش نیز وقتی حکم را شنید، با صدای بلند شروع کرد به گریه کردن.
وکیل خانم ژانگ از وضعیت سلامتی موکلش ابراز نگرانی کرد. او از ماه جنوری دست به اعتصاب غذا زده و به زور از طریق سیرم به او غذا خوراند شده است.
آقای رن اظهار داشت که موکلش هفته گذشته تهدید کرد اگر حکم سنگینی به او داده شود، تا «دم مرگ» به اعتصاب غذای خود ادامه می‌دهد.
محاکمه ژانگ نخستین مورد از محاکمه شهروند-خبرنگاری است که اوایل سال جاری به دلیل گزارش دادن از شهر ووهان بازداشت شده‌اند.
چین به دلیل اهمال و سهل‌انگاری در زمینه مقابله با شیوع ویروس کرونا و مخفی‌کاری، مورد انتقاد شدید جامعه جهانی قرار گرفته است.
تیمی از دانشمندان سازمان جهانی بهداشت قرار است ماه آینده به ووهان سفر کند تا به رغم امتناع اولیه چین از انجام تحقیقات مستقل، درباره منشأ شیوع کرونا تحقیق کند.

خانم ژانگ که پیش‌تر وکیل بوده است، از سوی دادگاهی در شهر شانگهای به اتهام گزارش دادن درباره مرکز اولیه شیوع کرونا به چهار سال زندان محکوم شد.
دادگاه می‌گوید که او را به خاطر «انتقادهای و دردسر درست کردن» از طریق گزارش دادن در مراحل اولیه بحران همه‌گیری کرونا، محکوم کرده است.
رن کوانیو، یکی از وکلای خانم ژانگ، روز دوشنبه، هفتم جدی، به خبرنگاران در بیرون از صحن دادگاه

به گزارش رادیو فردا، چین یک شهروند-خبرنگار تبعه این کشور را که فبروری سال گذشته برای نخستین بار شیوع ویروس کرونا در شهر ووهان را گزارش داده بود، به چهار سال زندان محکوم کرد.
ژانگ ژان ۳۷ ساله ویدیوهایی ضبط کرد که به نحو وسیعی در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته شد و در آن‌ها اجساد تلنبار شده در کوره‌های مرده‌سوزی و شفاخانه‌ها را در اوایل شیوع ویروس کرونا در شهر ووهان چین نشان می‌داد.



فشار بر نهادها و بنیادهای غیردولتی ترکیه افزایش می‌یابد



پارلمان ترکیه به نظارت بر نهادها و انجمن‌های غیردولتی وجه قانونی می‌دهد. به اعتقاد منتقدان، دولت زیر پوشش مبارزه با تروریسم، دایره فعالیت نهادهای مستقل را محدود می‌کند.
قانون تازه‌ای که در پارلمان ترکیه به تصویب رسیده، قرار است از گسترش اسلحه کشتار جمعی جلوگیری کند، اما هدف «ناتواسته» این قانون اهمیت بیش‌تری دارد.

به نقل از دویچه‌وله فارسی و به گزارش خبرگزاری آناتولی، مقررات تازه به وزارت داخله ترکیه اجازه می‌دهد تا هر عضو یک نهاد مدنی را صرف برای تحقیق درباره فعالیت‌های «نامطلوب» او از شغل اداری معلق کند. وزارت داخله مجاز است در زمانی که تحقیقات هنوز ادامه دارد و چیزی به اثبات نرسیده، فعالیت‌های تمام سازمان را تا موقع صدور و ابلاغ تصمیم دادگاه، متوقف کند. افزون بر این، مقام‌های دولتی می‌توانند از دادگستری توقف فعالیت نهادهای غیردولتی را خواستار شوند.

قانون تازه مقرر می‌دارد که کارمندان وزارت داخله ترکیه بر فعالیت همه نهادهای مدنی نظارت داشته باشند. وزارت داخله ترکیه یا فرمان‌داران می‌توانند گردآوری اعانه به شکل آنلاین را متوقف کنند تا از «حمایت مالی از تروریسم و پول‌شویی» جلوگیری شود. در این مورد سازمان‌های مردم‌بنیاد و هم‌چنین نهادهای بین‌المللی باید جریمه مالی سنگینی بپردازند. به گفته منتقدان، این امر به تعطیل شدن فعالیت بسیاری از نهادهای مدنی خواهد انجامید.

قانونی که با آرای اکثریت محافظه‌کاران اسلام‌گرا و ناسیونالیست‌ها در پارلمان ترکیه به تصویب رسید، نگرانی شدید و انتقاد نهادهای مدافع حقوق بشر را برانگیخته است.

هفته گذشته هفت نهاد بزرگ مدنی در بیانیه‌ای مشترک هشدار دادند که با این قانون اصل برائت ذاتی افراد خدشه‌دار می‌شود. در این بیانیه آمده است: «با توجه به این واقعیت که دادگستری هم‌اکنون درباره هزاران نفر فعال جامعه مدنی، از روزنامه‌نگار و سیاستمدار گرفته تا کنش‌گران صنفی، سرگرم تحقیق است، تردیدی نیست که هدف این قانون خفه کردن تمام صداهای انتقادی است.»

سازمان عفو بین‌الملل می‌گوید که قانون تازه آزادی فعالیت سازمان‌های مدنی را به شدت محدود می‌کند. به گفته سازمان دیده‌بان حقوق بشر، هدف دولت ترکیه آن است که با وضع و اعمال مقرراتی تازه «فعالیت نهادهای غیردولتی را محدود و از تأسیس نهادهای مدنی تازه جلوگیری کند.»

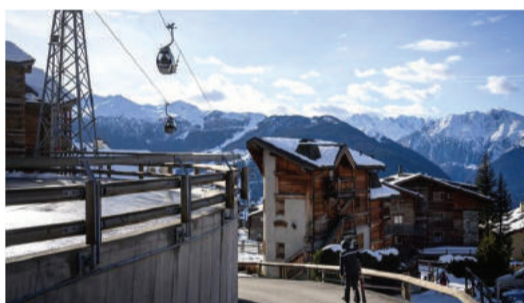
این سازمان حقوق بشری در بیانیه خود هم‌چنین تصریح کرده که «قانون تازه در اصل به پیکار با تروریسم و جلوگیری از خرید و فروش و توزیع اسلحه مربوط می‌شود، اما در عین حال به وزارت داخله و رییس جمهور حق می‌دهد که از فعالیت انجمن‌های مستقل جلوگیری کنند.» دیده‌بان حقوق بشر در بیانیه خود اشاره کرد که در ترکیه از قانون پیکار با تروریسم «غلب در جهت محدود کردن فعالیت منتقدان سوءاستفاده می‌شود.»

از زمان کودتای نافرجام سال ۲۰۱۶ علیه رجب طیب اردوغان، در ترکیه صدها هزار نفر به اتهام فعالیت تروریستی تحت تعقیب قرار گرفته‌اند. بنیادها و انجمن‌های بی‌شماری با دریافت حکم قضایی، تعطیل شده‌اند.

منتقدان، دولت اردوغان را متهم می‌کنند که در جو پرتنش کودتای نافرجام، برای سرکوب منتقدان و دگراندیشان فرصتی مناسب پیدا کرده است.

ویروس جهش یافته کرونا در سوئیس؛ صدها گردش‌گر بریتانیایی از قرنطین گریختند

را ترک کرده‌اند.
ساندوز، سخنگوی این ناحیه، در گفت‌وگو با خبرگزاری آلمان به شدت از شیوع برخورد مسوولان با گردش‌گران انتقاد کرده و گفته است که مسوولان محلی برای اجرای درست و مرتب قرنطین، امکاناتی در اختیار ندارند. او رفتار گردش‌گران را قابل درک دانسته گفته است: «خانواده‌ها با کودکان خود ناگهان در فضای ۲۰ متری حبس شدند که واقعاً غیر قابل تحمل است.»
برخی از گردش‌گران راه فرانسه را در پیش گرفتند. در این کشور هم پیست‌های اسکی تعطیل است، اما بریتانیایی‌ها می‌توانند حداقل از اقامتگاه بیرون بروند و در هوای آزاد قدم بزنند.
به گفته مقام‌های گردش‌گری از تاریخ ۱۴ دسامبر تا کنون حدود ۱۰ هزار نفر از شهروندان بریتانیا با ۹۲ پرواز کشور خود را ترک کرده‌اند.



خود را ترک نکنند.
در ناحیه بانیه مقام‌های دولتی پیش از کریسمس به ۴۲۰ مسافر تبعه بریتانیا دستور دادند که حق خروج از هتل را ندارند. حدود ۵۰ نفر از این افراد بی‌درنگ راه سفر در پیش گرفتند. روز یکشنبه، ۷ ماه جدی (۲۷ دسامبر) مسوولان هتل متوجه شدند که از ۳۷۰ گردش‌گر، تنها افراد انگشت‌شمار هنوز در هتل هستند و بقیه مخفیانه اقامتگاه‌شان

به نقل از دویچه‌وله فارسی، مقام‌های سوئیس برای جلوگیری از گسترش ویروس جهش‌یافته کرونا، حدود ۴۰۰ شهروند بریتانیا را به قرنطین فرستادند. آن‌ها اما هتل‌های خود را مخفیانه ترک کردند و به سوی مناطق دیگر روانه شدند.
پیست‌های وریبه در کانتون والیس سوئیس، نزد اسکی‌بازان بریتانیایی بسیار محبوب است. به دنبال شیوع ویروس جهش‌یافته کرونا از بریتانیا، مقام‌های سوئیس برای جلوگیری از گسترش پاندمی صدها نفر از گردش‌گران بریتانیایی را به قرنطین فرستادند، اما آن‌ها مخفیانه راه فرار در پیش گرفتند.
به دنبال انتشار خبر شیوع ویروس جهش‌یافته کرونا، روز ۲۰ دسامبر (۲ جدی) مقام‌های سوئیس تمام پروازها از بریتانیا و آفریقای جنوبی را متوقف کردند. روز بعد (۲۱ دسامبر) به تمام گردش‌گرانی که پس از ۱۴ دسامبر وارد سوئیس شده بودند، دستور داده شد که برای ده روز وارد قرنطین شوند و اقامتگاه‌های

وزارت دفاع آذربایجان از کشته شدن یک سرباز این کشور به دست نیروهای ارمنی خبر داد

نهایت با میانجی‌گری روسیه به پایان رسید و کنترل بخش‌های مهمی از قره‌باغ به جمهوری آذربایجان واگذار شد.
در هفته‌های اخیر بار دیگر درگیری‌ها میان ارمنستان و آذربایجان در منطقه مورد مناقشه قره‌باغ به صورت پراکنده آغاز شده و دو طرف یکدیگر را به نقض آتش‌بس متهم می‌کنند. نیروهای حافظ صلح روسی که برای نظارت بر اجرای موفقیت‌آمیز فرایند آتش‌بس به منطقه اعزام شده‌اند، نیز مواردی از نقض آتش‌بس را گزارش کرده‌اند، اما مشخص نکرده‌اند که کدام طرف در این خصوص مقصر بوده است.
بعد از پذیرش توافق آتش‌بس میان آذربایجان و ارمنستان، اعتراضات و انتقادات بسیاری در خصوص عمل کرد نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان، در این کشور مطرح شده و معترضان خواهان کناره‌گیری و استعفای او از قدرت شده‌اند.

حمله را خنثا کرده و هر شش مهاجم ارمنی را کشته‌اند. بیانیه وزارت دفاع آذربایجان ساعتی پس از آن اعلام شد که وزارت دفاع ارمنستان گزارش رسانه‌ها در مورد درگیری در منطقه حدروت را انکار کرده بود. مقام‌های ارمنستان تأکید کرده بودند که نیروهای جدایی‌طلب ارمنی در قره‌باغ به برقراری آتش‌بس پای‌بند هستند.
بعد از انتشار بیانیه رسمی وزارت دفاع آذربایجان، نه ایروان و نه مقام‌های محلی قره‌باغ، در این خصوص اظهار نظری نداشته‌اند.
منطقه کوهستانی قره‌باغ که در خاک جمهوری آذربایجان است، برای دهه‌ها تحت کنترل دولت خودمختار و نزدیک به ارمنستان قرار داشت. ادعاهای دو طرف بر این منطقه، به جنگی تمام‌عیار و شش‌هفته‌ای در اکتبر و نوامبر ۲۰۲۰ انجامید که در آن بیش از ۵ هزار نفر کشته شدند. این درگیری در

وزارت دفاع جمهوری آذربایجان می‌گوید که واحدهای ارتش این کشور توسط «یک گروه مسلح غیرقانونی ارمنی» در قره‌باغ مورد حمله قرار گرفته‌اند.
به نقل از یورو نیوز فارسی و به گزارش آسوشیتدپرس، منابع رسمی جمهوری آذربایجان گفته‌اند که این حملات روز یکشنبه و در منطقه خوجاوند (مارتونی) صورت گرفته و طی آن یک نظامی آذربایجان کشته و یک فرد دیگر زخمی شده است.

